



پس از ۳۵ سال

مجایی و دولت‌آبادی از شب مسلخ گفتند



از مصدق تا خاتمی

مناظره محمود کاشانی و رضا مختاری



اصلاح‌گری؛ رسالتی الهی

سیدحمید موسویان



تخلیه اجباری

شهرداری تهران بر درب ساختمان انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران قفل زد
نرجس سلیمانی، عضو شورای شهر تهران به سازندگی گفت:
باید یک ساختمان جدید به آنها بدهند و بعد این ساختمان را بگیرند

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران

دفتر مرکزی

شماره ثبت: ۳۴۳۲۰



فائزه مومنی

گروه اجتماعی



ساختمان انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به دست شهرداری علیرضا زاکانی قفل زده شد. آن هم بعد از اینکه با وجود مخالفت اعضای شورا، شهرداری تهران سرخود ساختمان خانه اندیشمندان را پلمب کرده بود. گویی نقطه پایانی برای سیاسی‌کاری زاکانی علیه انجمن‌ها و نهادهایی که مطابق میل او اداره نمی‌شوند، وجود ندارد! خبرهای منتشر شده حاکی است: «شهردار منطقه ۳ تهران از ماه‌ها پیش با ارسال احضاریه‌های پی‌درپی، تلاش داشت روزنامه‌نگاران را

از محل فعالیت‌شان بیرون کند اما هر بار این فشارها با رایزنی موقتاً متوقف می‌شد.» در روزهای اخیر اما شدت برخوردها افزایش یافت و درنهایت با اعزام مأموران و بستن درهای ساختمان، آزادی فعالیت یک نهاد صنفی مستقل عملاً هدف قرار گرفت. بنابر این خبر: «ساختمانی که چند سال پیش با تصمیم اعضای شورای شهر تهران در اختیار روزنامه‌نگاران قرار گرفته بود، اکنون با فشارهای سیاسی در حال بازپس‌گیری است؛ اقدامی که بیش از هر چیز پیام روشنی دارد، محدودیت فزاینده بر فعالیت‌های صنفی روزنامه‌نگاران توسط علیرضا زاکانی و شهرداری تهران!» شهرداری در حالی اقدام به بازپس‌گیری ساختمان‌ها می‌کند که به گفته اعضای شورای شهر تهران؛ انگار هیچ ساختمان

دیگری برای بازپس‌گیری وجود ندارد و فقط نهادهای علمی و فرهنگی که اکثریت اعضای آن از اصلاح‌طلبان و طیف مقابل او هستند، اعمال قانون می‌شوند! جایی که مهدی اقراریان درباره تصرف خانه اندیشمندان از سوی شهرداری در صحن شورا گفت: «رفتارهای دوگانه با مجموعه‌های مشابه قابل قبول نیست.» باید به گفته این عضو شورا «فهرست همه اماکن واگذار شده در دوره‌های پیشین تهیه شود؛ چون اغلب واگذاری‌ها سه ساله بوده و مدت آن به پایان رسیده برای تمدید یا تخلیه باید روال قانونی طی شود.» چگونه است که «دیگران بدون ضابطه همچنان از فضاها استفاده می‌کنند.» اما برخی نهادها با برخوردهای شدید شهرداری تهران مواجه می‌شوند؟

ادامه در صفحه ۷

میزگرد

در نشست سازمان جوانان حزب کارگزاران سازندگی ایران با حضور سیدحسین مرعشی و موسی غنی‌نژاد در نقد تصمیمات محمد مصدق مطرح شد:

چه کسانی تاریخ را

به سود مصدق تحریف کردند؟



در آستانه هفتادودومین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نشست مجازی «۲۸ مرداد: روایت ناگفته‌ها»، دوشنب شب ۲۷ مرداد با حضور «سیدحسین مرعشی»، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران و «موسی غنی‌نژاد»، اقتصاددان و استاد دانشگاه از سوی سازمان جوانان حزب کارگزاران سازندگی ایران برگزار شد. آنچه می‌خوانید، متن تلخیص شده این جلسه است.

آیا اساساً می‌توان لفظ «کودتا» را برای این واقعه به کار برد؟ چراکه عده‌ای معتقدند، کودتا مسالهای است که از پایین به بالا رخ می‌دهد، درحالی که مقام شاه بالاتر از نخست‌وزیر وقت بود. آیا واژه «کودتا» برای این واقعه مناسب است؟

موسی غنی‌نژاد: «کودتا» تعریف مشخصی دارد. اگر بخواهیم این تعریف را به معنای دقیق و حقوقی کلمه به کار ببریم، اتفاقی که در شبانگاه ۲۴ مرداد رخ داد، «اقدام به کودتا» بود که موفق نشد و در ۲۸ مرداد، آن کودتا شکست خورد. وقتی از کودتا صحبت می‌کنیم، کودتا علیه رئیس کشور انجام می‌شود، نه اینکه رئیس کشور علیه نخست‌وزیر یا زیردستان خود کودتا کند؛ این بی‌معناست. کسانی که درباره ۲۸ مرداد صحبت می‌کنند، همواره به این استناد می‌کنند که آمریکا و انگلیس آن را کودتا نامیده‌اند. بسیار خب، گفته باشند. این اصطلاح چون رایج شده به کار می‌رود نه اینکه از نظر حقوقی یک واقعیت سیاسی را بیان کند. در نظام مشروطه، رئیس قوه مجریه و رئیس کشور، شاه است. شاه در ایران آن زمان، همان مقامی را داشت که پادشاه در انگلستان یا رئیس‌جمهور در آمریکا دارد؛ اینها رئیس کشور هستند.

طبق روایت طرفداران مصدق، کدام نظامیان می‌خواستند در ایران کودتا کنند؟ آیا شاه می‌خواست علیه نخست‌وزیر خود که زیرمجموعه و مادون او بود، کودتا کند؟ رئیس قوه مجریه و رئیس کشور، شاه است. او علیه زیردست خود کودتا نمی‌کند، نیازی به این کار ندارد. این موضوع به نظر من بسیار روشن است و مغالطه‌هایی که در این باره صورت می‌گیرد و به گفته‌های دیگران استناد می‌شود از نظر حقوقی، تاریخی و علمی قابل قبول نیست.

اتفاقاً «اقدام به کودتا» کاری بود که مصدق در ۲۵ مرداد انجام داد. یعنی وقتی حکم عزل خود را از سرهنگ نصیری دریافت کرد از آن اطاعت نکرد. این اقدام به کودتاست.

از نظر حقوقی و براساس قانون اساسی مشروطه، شاه این اختیار را داشت که نخست‌وزیر را عزل کند. شاه بسیار هم محتاطانه عمل کرده بود زیرا از فضای آن زمان جامعه و نفوذ و محبوبیتی که مصدق در میان مردم داشت، می‌ترسید. او صبر کرد تا نتیجه رفتاراندوم انحلال مجلس هفدهم که توسط مصدق برگزار شده بود، در روز ۲۳ مرداد اعلام شود. آنگاه در ۲۴ مرداد، فرمان عزل او را صادر کرد. به این ترتیب وانمود کرد که چون مجلس وارد دوره فترت شده و مجلسی در کار نیست، این نخست‌وزیر را برکنار کرده و فرد دیگری را منصوب می‌کند. این یک سنت مشروطه بود و بارها، شاید ده‌ها بار در تاریخ مشروطه تا آن سال این اتفاق افتاده بود.

ادامه در صفحه ۲





سال هشتم شماره ۲۰۴۵
پنج‌شنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۴

خبرهای کوتاه

ابلاغ سلام رهبری به مراجع



رئیس دفتر رهبر انقلاب روز گذشته با حضرات آیات مکارم‌مشیرازی، نوری‌همدانی و سبحانی دیداری صمیمانه داشت و سلام و احترام ویژه رهبر انقلاب را به ایشان ابلاغ کرد.

خاتمی بستری شد

برادر سیدمحمد خاتمی از عارضه قلبی برای برادرش خبر داد. سیدمحمدرضا خاتمی، برادر سیدمحمد خاتمی برای تئویر افکار عمومی، با توجه به انتشار اخباری درباره سلامتی رئیس‌جمهوری اسبق ایران به خاتمی مدیا گفت: به‌دنبال احساس درد در قفسه سینه و تداوم آن و علایم دیگری که نشانه درگیری قلبی جناب آقای خاتمی بود، وضعیت ایشان توسط پزشکان بررسی و پس از اینکه مسجل شد دچارعارضه قلبی و گرفتگی رگ شده‌اند، آئزوپلاستی انجام و بحمدالله نتیجه کار بسیار خوب بود. درحال حاضر ایشان تحت نظر پزشکان مراحل درمانی خود را طی می‌کنند.

بیانیه‌ها نشان دهنده زنده بودن جامعه است

فاطمه مهاجرانی در حاشیه جلسه دیروز هیأت دولت درپاسخ به سوالی در مورد رویکرد دولت نسبت به بیانیه جبهه اصلاحات، با بیان اینکه دکترپزشکیان با تمام احزاب از جبهه پایداری گرفته تا جبهه اصلاحات جلسات جداگانه‌ای داشته است، گفت: اصولاً جایگاه دولت، جایگاه دیگری است. این بیانیه نشان‌دهنده زنده بودن جامعه و آزاد بودن جامعه است. اما همه ما باید به انسجام اجتماعی دقت نظر داشته باشیم و اظهاراتی نکنیم که مساںل را پیچیده‌تر کند و مورد سوءاستفاده دشمن واقع شود. طبیعی است که دولت پیش از این، نظرات احزاب را در جلسات جداگانه شنیده و بر اساس منافع ملی تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند.

دفاع آشنا از روحانی

حسام‌الدین آشنا در واکنش به حمله علیه روحانی و ظریف و در صاوسیمیا گفت: حالا کمی هم الی کوهن و شکدم‌پایتان را به‌کار بگیرید! حسام‌الدین آشنا در پاسخ به تهمت‌های تلویزیونی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: حال که بحمدالله برای چندمین بار اشعث و ابوموسی‌پایتان فعال شده حالا کمی هم الی کوهن و شکدم‌پایتان را به‌کار بگیرید! روز گذشته رجبی دوانی به‌عنوان کارشناس در برنامه «سوره» شبکه ۴ حاضر شد و تعابیر عجیبی را علیه مسئولان دولت‌های یازدهم و دوازدهم به کار برد. وی مدعی شد که بغض در کلام حسن روحانی علیه سپاه موج می‌زند و حسن روحانی، همان اشعث بن قیس زمان امیرالمؤمنین (ع) است. رجبی دوانی در تعبیر دیگری گفت که ظریف از «ابوموسی اشعری» هم کمتر است؛ لاف‌لال اشعری اعتراف کرد که سرش کلاه رفت و پشیمان شد اما ظریف نه تنها اظهار پشیمانی نمی‌کند بلکه صرف از «تعبیر پارادایم» می‌زند! این اظهارات با استقبال برخی نمایندگان تندرو همچون حمید رسایی و امیرحسین ثابئی مواجه شد. این اولین بار نیست که در رسانه ملی بدون اینکه برخی چهره‌ها حضور داشته و حق دفاع از خود را داشته باشند به آنها حمله می‌شود.

انتقاد عارف از برخی اظهارنظرها

معاون اول رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه نخبگان در یک فضای کارشناسی عملکرد دولت را همراه با ارائه پیشنهادات نقد کنند به موضوع ناترازی‌های انرژی در کشور اشاره کرد و گفت: دولت وفاق ملی در یک سال گذشته در مسیر حل مشکلات و معضلات کشور گام برداشته و دستاوردهای موفق و خوبی هم به دست آورده است. عارف ضمن درخواست از دانشگاهیان، نخبگان و صاحب‌نظران برای ارائه نظرات و پیشنهادات خود جهت اصلاح امور بر لزوم تقویت راهبرد همبستگی ملی و توجه به شعار وفاق ملی همچنین لزوم توجه صاحب‌نظران، نخبگان و فعالان رسانه به اهمیت همبستگی و اجماع ملی تأکید کرد و گفت: برخی مصاحبه‌ها و اظهارنظرها کمکی به تقویت فضای خوب کنونی کشور به ویژه در حوزه سیاست خارجی که راهبردها مشخص است، نخواهد کرد.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

توان موشکی ایران

دستاوردهای جدید ایران در حوزه موشکی

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در سخنانی تازه به مناسبت روز صنعت دفاعی از دستاوردهای جدید کشور در حوزه موشکی پرده برداشت. او تأکید کرد که موشک‌های به‌کار رفته در جنگ ۱۲ روزه علیه رژیم صهیونیستی، تولید چند سال قبل بودند و امروز ایران به موشک‌هایی دست یافته که از نظر دقت، قدرت تخریب و توان عملیاتی بسیار پیشرفته‌تر از گذشته‌اند.

امیرسرتیپ عزیز نصیرزاده در حاشیه دیدار با وابستگان نظامی خارجی مقیم تهران، با اشاره به تجربه جنگ اخیر گفت: «ما تنها با رژیم صهیونیستی روبه‌رو نبودیم؛ تمام توان لجستیکی، اطلاعاتی و پشتیبانی ایالات متحده نیز پشت سر دشمن قرار داشت. با این حال، جمهوری اسلامی ایران بدون اتکا به هیچ منبع خارجی، تنها با تکیه برصنایع دفاعی داخلی توانست در میدان نبرد حضور یابد.»

به گفته او، جهان درآن جنگ شاهد بود که موشک‌های ایرانی با موفقیت به اهداف اصابت کردند و خسارات قابل توجهی به دشمن وارد ساختند. نصیرزاده افزود: «اگرچه رژیم صهیونیستی با سانسور رسانه‌ای تلاش کرد واقعیت را پنهان کند اما انتشار تدریجی اطلاعات نشان داد که موشک‌های ایرانی کارایی بالایی داشته و توانمندی‌های نیروهای مسلح کشورمان را آشکار ساخته است.»

وزیر دفاع تأکید کرد که ایران امروز به موشک‌هایی مجهز است که هنوز در میدان نبرد به‌کار گرفته نشده‌اند اما در صورت تکرار ماجراجویی‌های رژیم صهیونیستی قطعاً استفاده خواهند شد. او با اشاره به جنگ ۱۲ روزه گفت: «دشمن مدعی بود، قوی‌ترین سامانه‌های پدافندی جهان را

ادامه میزگرد

چه کسانی تاریخ را به سود مصدق تحریف کردند؟

خود دکتر مصدق کاملاً از این مساله آگاه بود. در زمان تشکیل جبهه ملی که مصادف با انتخابات مجلس شانزدهم بود، مصدق و طرفدارانش در دربار تحصن کردند و او نامه‌ای به شاه نوشت که در روزنامه‌ها نیز منتشر شده است. پس خود مصدق می‌دانست که شاه این قدرت را دارد که در دوران فترت مجلس، دولت و نخست‌وزیر را تغییر دهد. حال چرا مصدق از این فرمان تبعیت نکرد؟ زیرا اطرافیان او را وادار به مقاومت کردند و گفتند، مردم پشتیبان تو هستند. ظاهراً خود او ابتدا قصد پذیرش داشت.

شاه نیز در همان ۲۵ مرداد از کشور خارج شد و به مصدق توجیه کردند که تو نخست‌وزیر قانونی هستی. این وضعیت تا ۲۸ مرداد ادامه یافت. در روز ۲۸ مرداد برخلاف بسیاری از روایت‌ها، تظاهراتی به ابتکار مردم از جنوب شهر آغاز شد. سپس ارتشی‌ها به آنها پیوستند به سمت خانه مصدق رفتند و آنجا را تسخیر کردند و مصدق به این ترتیب برکنار شد. آقای زاهدی در رادیو اعلام کرد که او نخست‌وزیر قانونی است. در این فاصله سه- چهار روزه، ما با نخست‌وزیری روبه‌رو هستیم که به صورت غیرقانونی دولت را اداره می‌کند. دکتر مصدق اسناد را با عنوان «نخست‌وزیر» امضا نمی‌کرد بلکه می‌نوشت «دکتر محمد مصدق» و عملاً حکومت می‌کرد.

اگر شاه می‌توانست به‌صورت قانونی مصدق را برکنار کند، پس نقش نیروی نظامی، استفاده از تانک و مشّت آهنین در آن مقطع چه تو جیبی داشت؟

در آن برهه، مصدق وزارت دفاع را خود به عهده گرفته بود. شاه فرماندهی کل قوا را به مصدق تفویض کرده بود و او به‌عنوان جانشین فرماننده کل قوا عمل می‌کرد و ارتش از او دستور می‌گرفت. اما در آن چهار روز، اتفاقات عجیبی رخ داد. حزب توده به خیابان‌ها آمد، مجسمه‌های شاه و رضاشاه را پایین کشید و شعار جمهوری‌خواهی و لزوم برچیده شدن سلطنت را سر داد. این اقدامات باعث ترس مردم به‌ویژه بازاری‌ها که از طرفداران مصدق بودند، شد. ترس از کمونیسم پایه و منشأ تظاهرات ۲۸ مرداد شد.

واقعۀ ۲۸ مرداد تأثیر زیادی بر نهادهای سیاسی ایران گذاشت. از جمله اینکه نهضت ملی سرکوب شد، بسیاری از سران آن بازداشت شدند و دکتر فاطمی بعداً اعدام شد و فضای سیاسی تاریک و بسته‌ای بر کشور حاکم شد. پیامدهای این رخداد را بر نهادهای سیاسی به‌خصوص مساله تحزب در ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سیدحسین مرعشی: در آن دوره، یکی از بزرگ‌ترین احزاب تاریخ ایران، یعنی حزب توده، شکل گرفت. حزب توده به‌دلیل وابستگی‌هایش به شوروی و اقداماتش به بزرگ‌ترین حزب تاریخ ایران تبدیل شد. تا امروز

در اختیار دارد؛ از جمله تاد، پاتروت، گنبد آهنین و آرو. اما نتیجه نشان داد که این سامانه‌ها تنها در روزهای نخست قادر به رهگیری بخشی از موشک‌های ما بودند و در روزهای پایانی، بیش از ۹۰ درصد موشک‌های ایرانی به اهداف اصابت می‌کردند. این امر هم نشان‌دهنده افزایش تجربه عملیاتی ما بود و هم کاهش توان دفاعی دشمن.»



نصیرزاده علاوه بر بُعد عملیاتی بر اهمیت دیپلماسی دفاعی نیز تأکید کرد. او دیپلماسی دفاعی را «راهی صلح‌آمیز برای تقویت روابط نظامی با کشورهای دوست» دانست و گفت: «ما امروز با بسیاری از کشورها تعامل دفاعی داریم و این سیاست، بخشی از راهبرد اصلی وزارت دفاع است.» اما در کنار این اظهارات، ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز برنامه جدیدی را برای نمایش توانمندی‌های موشکی آغاز کرده است.

هیچ سازمان سیاسی به گستردگی حزب توده به وجود نیامده است. من می‌خواهم از زاویه دیگری به قضیه نگاه کنم. ما هم در دوره مشروطه، هم پس از آن تا ظهور رضاشاه و هم در دوره نهضت ملی و وقایع سال ۱۳۳۲ با یک مشکل مواجه بودیم و آن رقابت، همکاری و گاه تقابل دو جریان اسلام‌گرا و ملی‌گرا در متن جامعه ایران بود. در فاصله ۱۳ ماهه میان ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دو اتفاق مهم رخ می‌دهد؛ در ۳۰ تیر جریان مذهبی به رهبری آیت‌الله کاشانی با جریان ملی‌گرا به رهبری جبهه ملی و دکتر مصدق همراه شد. آنها خواسته مشترکی داشتند و آن نخست‌وزیری مجدد مصدق بود. دربار در مقابل خواست و حضور مردم در خیابان‌های تهران عقب‌نشینی کرد و شاه، مصدق را مأمور تشکیل دولت کرد. اما وقتی به مرداد ۱۳۳۲ می‌رسیم، دو اتفاق مهم رخ می‌دهد: اول اینکه همکاری و تعامل مرحوم مصدق و مرحوم کاشانی به تضاد تبدیل می‌شود و جریان اسلام‌گرا در مقابل جریان ملی‌گرا قرار می‌گیرد. مساله دوم، مانور و فعالیت‌های علنی حزب توده بود که جامعه مذهبی ایران را، که بسیار فراتر از آیت‌الله کاشانی بود، ترسانند و آنها را از پشت مصدق به پشت شاه سوق داد. به یاد دارم که در خانواده خود ما در فسنجان، حزب توده جوخه‌های اعدام برای پدر و عموی مرحوم من آماده کرده و قرار بود آنها را اعدام یا سر به نیست کنند. پدر من و امثال او، پیش از آن طرفدار مصدق بودند اما وقتی با چنین واقعیتی و چنین قدرت‌نمایی از سوی حزب توده مواجه شدند کاملاً چرخیده و به پشت شاه رفتند. ما تا حد زیادی تحت تأثیر نگاه‌های سیاسی خاص هستیم و چون امروز مصدق را بر زاهدی و محمدرضا پهلوی ترجیح می‌دهیم، متأسفانه حوادث تاریخی را نیز با تحریف به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنیم.

انتقادات به دکتر مصدق درباره انحلال مجلس هفدهم را چگونه می‌بینید. آیا اینکه فردی که خود را دموکرات، مردمی و قانون‌مدار می‌داند، پارلمان کشور را منحل کند با این ادعاها سنخیت دارد؟

مرعشی: از جهت قانونی، آقای مصدق رفتارندم برگزار کرد اما آن رفتارندم یک اشتباه بود. از لحاظ سیاسی یک اشتباه بزرگ بود. آقای مصدق به جای برگزاری رفتارندم، می‌توانست شکاف میان خود و مذهبیین را کنترل کند. می‌توانست تفاوت‌های خود با حزب توده را علنی کند و محدودیت‌هایی برای آن حزب قائل شود. من نمی‌خواهم بگویم آن کار غیرقانونی بود چون مجلس براساس رفتارندم منحل شد اما به لحاظ سیاسی اشتباه بزرگی بود.

ریشه واقعه ۲۸ مرداد به اقتصاد نفتی و رانتی بودن ساختار نفت در ایران بازمی‌گردد. این رخداد از منظر اقتصاد سیاسی، اقتصاد نفتی و ساختار دولتی چه تأثیری پذیرفت و چه تأثیری گذاشت؟ **غنی‌زاد:** جالب است بدانید که خود دکتر مصدق پیش از آن، مخالف ملی کردن صنعت نفت بود و بارها این را گفته بود. در مجلس چهاردهم، وقتی یکی از نمایندگان پیشنهاد ملی کردن نفت را داد، مصدق مخالفت کرده و گفته بود ما نمی‌توانیم این کار را بکنیم؛ ما با شرکت نفت انگلیس و ایران قرارداد دو جانبه داریم و نمی‌توانیم یک‌طرفه آن را نقض کنیم و اگر نقض کنیم باید خسارت آن را بپردازیم. دکتر مصدق این مسائل را می‌دانست. اینکه بعداً چگونه موافق ملی کردن شد، بحث دیگری است.

امیر دریادار دوم عباس حسنی، سخنگوی رزمایش «اقتدار پایدار ۱۴۰۴» نیروی دریایی ارتش، اعلام کرد که مرحله عملیاتی این رزمایش از فردا با رمز «با محمد رسول‌الله(ص)» در شمال اقیانوس هند و دریای عمان آغاز می‌شود. به گفته او، این رزمایش به مدت دو روز ادامه خواهد داشت و یگان‌های متنوعی از جمله شناورهای سطحی و زیرسطحی، یگان‌های پروازی، سایت‌های موشکی ساحل به دریا و دریایابه، و یگان‌های جنگالی درآن مشارکت خواهند داشت. حسنی افزود: «در این رزمایش با استفاده از تجربیات سال‌های گذشته، تمرینات مختلفی از جمله پرتاب موشک، عملیات جنگالی و تمرینات پهبادی اجرا می‌شود.»

یکی از نکات مهم رزمایش ۱۴۰۴ به‌کارگیری طیف گسترده‌ای از موشک‌های کروز نقطه‌زن در بردهای کوتاه، میان‌برد و بلند است. این موشک‌ها برای انهدام اهداف سطحی طراحی شده‌اند و به گفته مقامات ارتش، دقت و توان تخریب آنها سطحی تازه از بازدارندگی را در منطقه رقم خواهد زد. سخنگوی رزمایش در پایان تصریح کرد: «هدف از برگزاری این رزمایش، ارتقای توان رزمی نیروهای مسلح، افزایش بازدارندگی در برابر تهدیدات، ایجاد امید در دل ملت ایران و نشان دادن

اتکای کامل ما به توان داخلی متخصصان است.»

ترکیب سخنان وزیر دفاع و اعلام رزمایش ارتش، بار دیگر تصویری روشن از مسیر آینده دفاعی ایران ترسیم می‌کند؛ مسیری که در آن صنایع موشکی بومی، تجربه‌های میدانی و دیپلماسی دفاعی در کنار هم قرار گرفته‌اند تا توان بازدارندگی جمهوری اسلامی را در برابر دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تثبیت کنند.

تسا آذر ۱۳۲۹ جبهه ملی، بحث ملی کردن را مطرح نمی‌کرد. وقتی این بحث مطرح شد، مصدق آخرین نفری بود که از میان رهبران جبهه ملی، با تأخیر زیاد، آن را امضا کرد. یعنی باز هم موافق نبود و معتقد بود، توافق با انگلیسی‌ها بهتر است. اما وقتی دید که فضای عمومی و افکار عمومی به غلیان آمده و همه شعار می‌دهند که حق ما را خورده‌اند و باید حق مسلم خود را پس بگیریم، او نیز وارد جریان شد و این به ضرر ایران تمام شد. یکی از بزرگ‌ترین زیان‌های ملی کردن صنعت نفت از دست دادن سهم ایران در شرکت‌های تابعه شرکت نفت انگلیس و ایران بود. ایران در آن زمان حدود ۲۰ درصد از منافع کل آن شرکت را سهم داشت. البته انگلیسی‌ها تقبل می‌کردند، صورت حساب‌های درست نمی‌دادند و حق ایران را می‌خوردند. این یک واقعیت بود و ایرانی‌ها و کارشناسان از این مساله عصبانی بودند. مصدق نیز این را فهمیده بود و به دنبال ملی کردن نفت و بیرون کردن انگلیسی‌ها افتاد. اما این روش درستی نبود. وظیفه سیاست‌مدار تأمین منافع ملی است، نه شعار دادن. این گفتار سیاسی را مصدق در ایران ایجاد کرد و انتقاد من به او و طرفدارانش همین است. عرصه سیاست، عرصه حق و باطل نیست. وظیفه سیاسی و اخلاقی یک مسئول، دفاع از منافع ملتی است که نمایندگی‌اش را بر عهده دارد، نه اینکه شعار بدهد «پوزه امپریالیسم را به خاک می‌مالیم». مضافاً اینکه مصدق فرصت و مجال رشد بیشتر حزب توده را فراهم کرد و خود نیز قربانی حزب توده شد. در سال ۱۳۳۱ مصدق استعفا داد و پس از اعتراضات مردمی و درگیری‌ها از فردای آن روز، حزب توده ناگهان به طرفدار سرسخت مصدق تبدیل شد. آنها اعلام کردند که باید از مصدق پشتیبانی کنیم زیرا او در برابر امپریالیسم ایستاده است. البته اینها همه دستوراتی بود که از شوروی می‌رسید. این امر باعث شد که در سال آخر حکومت مصدق، حزب توده عملاً متحد جبهه ملی شود و نفوذ خود را، به‌ویژه در ارتش، به‌شدت گسترش دهد. این یک عامل بسیار خطرناک برای آینده ایران بود اما مصدق با از آن بی‌اطلاع بود، یا به آن اهمیت نمی‌داد و یا تصور می‌کرد، قابل کنترل است. وقتی مصدق‌ها مساله ملی کردن نفت را مطرح کردند، شعارشان اقتصادی بود. توجیه آنها این بود که می‌خواهند، منافع اقتصادی ایران را تأمین کنند و با درآمد حاصل از آن، کشور را توسعه دهند. اما این امر محقق نشد؛ زیرا شرکت نفت انگلیس، نفت ایران را تحریم کرد و اقتصاد کشور دچار بحران شد. یکی از دلایلی که مردم در ۲۸ مرداد از مصدق روی برگرداندند، همین وضع خراب اقتصادی بود. بیش از دو سال درآمد‌های نفتی قطع شده بود، دولت با کسری بودجه مواجه بود و مصدق به‌طور غیرقانونی پول چاپ می‌کرد که به تورم و نارضایتی شدید مردم دامن زده بود. درسی که باید از ۲۸ مرداد بگیریم این است که یک دولتمرد وطن‌پرست که به دنبال منافع ملی است، یک بحث اقتصادی را به یک بحث سیاسی تبدیل نمی‌کند. مصدق دقیقاً همین کار را کرد. او گفت، مساله ما نفت نیست بلکه می‌خواهیم انگلیس را از ایران بیرون کنیم. این دیگر یک بحث اقتصادی نبود بلکه سیاسی بود. او تمام بدبختی‌ها را ناشی از خارجی‌ها می‌دانست. نکته مهم برای امروز ما این است که گفتار سیاسی یک سیاستمدار مسئول و ایران‌دوست نباید چیزی جز تأمین منافع ملی باشد. سیاستمدار ایرانی باید خدمتگزار منافع ملی ایران باشد.

همگرایی در برابر غرب

بررسی سفر مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور ایران به بلاروس و دیدار با الکساندر لوکاشنکو

رئیس‌جمهور ایران، مسعود پزشکیان، صبح چهارشنبه وارد کاخ ریاست‌جمهوری بلاروس شد و مورد استقبال رسمی الکساندر لوکاشنکو قرار گرفت.

سفر مسعود پزشکیان به بلاروس را می‌توان بخشی از راهبرد کلان ایران برای همگرایی با شرق دانست. در شرایطی که تهران و مینسک هر دو با فشارهای تحریمی غرب مواجه‌اند، این دیدار نه‌تنها نماد همبستگی سیاسی بلکه تلاشی برای ایجاد بلوک‌های همکاری مستقل از ساختارهای تحت نظر آمریکا و اروپاست. تأکید بر سازمان‌هایی چون بریکس و شانگهای و امضای اسناد همکاری در حوزه‌های متنوع، نشان می‌دهد که ایران به‌دنبال تثبیت جایگاه خود در نظم نوین جهانی است.
نظمی که در آن قدرت‌های منطقه‌ای با اتکا به ظرفیت‌های مشترک، مسیر توسعه و مقاومت را خارج از چارچوب‌های تحمیلی غربی ترسیم می‌کنند. دیدار روسای‌جمهور دو کشور که در ادامه تلاش‌های تهران برای تعمیق روابط با کشورهای خارج از مدار غربی صورت گرفت، نقطه عطفی در مناسبات ایران و بلاروس تلقی می‌شود. در حالی که ایران و بلاروس هر دو تحت فشار تحریم‌های غربی قرار دارند، این سفر نمادی از همگرایی دو کشور در برابر آنچه

دیپلماسی

جنگ و مذاکره نه مقدس هستند و نه پلید

عراقچی معتقد است، دیپلماسی و اقتدار دو بال سیاست خارجی دولت چهاردهم پس از جنگ ۱۲ روزه است

یک سال از آغاز به کار دولت چهاردهم گذشت و بیش از ۳۰۰ روز پرتلاطم برای سیاست خارجی ایران رقم خورده است. در این مدت، دولت و دستگاه دیپلماسی به ریاست وزیر امور خارجه، سیدعباس عراقچی، درگیر هم‌زمان دو عرصه مهم بوده‌اند؛ از یک سو جنگ ۱۲ روزه و تهدیدهای امنیتی و از سوی دیگر مذاکرات هسته‌ای و تماس‌های دیپلماتیک با غرب و منطقه. گفت‌وگوی اخیر عراقچی با ایرنا، تصویر دقیقی از منطق سیاست خارجی دولت چهاردهم و نسبت میان جنگ، مذاکره و منافع ملی ارائه می‌دهد. عراقچی در آغاز گفت‌وگو بر این نکته تأکید می‌کند که در نگاه دولت چهاردهم، جنگ و مذاکره هر دو ابزار هستند؛ نه مقدس‌اند و نه پلید.
انتخاب هر کدام بسته به شرایط و مصالح ملی انجام می‌شود. او توضیح می‌دهد که گاه جنگ اجتناب‌ناپذیر است و کوتاهی در ورود به آن مساوی با از دست دادن منافع ملی خواهد بود؛ گاهی نیز برعکس، ورود به جنگ هزینه‌ای غیرضروری تحمیل می‌کند و تنها مذاکره می‌تواند، مسیر درست باشد. این نگاه «ابزاری» به جنگ و دیپلماسی، نقطه تمایز دولت چهاردهم با برخی قرائت‌های صفر و صدی است که مذاکره را همواره نشانه ضعف و جنگ را همیشه افتخار می‌دانند.

به گفته وزیر خارجه، سیاست ایران در مذاکرات هسته‌ای نیز بر همین مبنا بود: ورود به گفت‌وگو با آمریکا و طرف‌های غربی برای تأمین منافع ملی بدون آنکه تسلیم مطالبات حداکثری آنان شوند. مقاومت ایران در برابر خواسته «غنی‌سازی صفر» که از ابتدای مذاکرات روی میز بود از نگاه عراقچی، نمونه‌ای روشن از ایستادگی دیپلماتیک در کنار آمادگی نظامی است.

بخش مهمی از سخنان عراقچی به تبیین جایگاه دولت و وزارت خارجه در ساختار تصمیم‌گیری کشور اختصاص داشت. او بارها تأکید کرد که سیاست خارجی، امری حاکمیتی است نه صرفاً دولتی. به بیان او، وزارت خارجه و دولت در فرآیند تصمیم‌سازی نقش دارند و دیدگاه‌های کارشناسی خود را ارائه می‌دهند اما تصمیم نهایی در شورای عالی امنیت ملی و در سطح کلان حاکمیت گرفته می‌شود. پس از اتخاذ تصمیم، همه نهادها و مسئولان موظف به اجرای آن هستند و کسی نمی‌تواند به دلیل مخالفت از اجرای آن سر باز بزند.

این سخن عراقچی در واقع پاسخی است به منتقدانی که او را متهم به «محافظه‌کاری» می‌کنند یا خواستار اختیارات بیشتر برای وزیر خارجه‌اند. او می‌گوید در چارچوب وظایف و اختیارات، آزادی کامل برای طراحی و اجرای مذاکرات وجود دارد اما تعیین خطوط قرمز و محدوده‌های استراتژیک خارج از اختیار دولت است.

یکی از نقاط کانونی گفت‌وگو، بررسی عملکرد دیپلماسی ایران

«یکجانبه‌گرایی» خوانده می‌شود. بود.
پزشکیان در نشست مطبوعاتی مشترک با رئیس‌جمهور بلاروس از «تحمیل مسیر حرکت» توسط آمریکا و متحدان اروپایی انتقاد کرد و گفت:

«این رویکرد برای شما و ما قابل تحمل نبوده و نیست».

ایسن موضع‌گیری در کنار امضای ۱۲ سند همکاری در حوزه‌های متنوعی چون صنعت، گردشگری، محیط زیست و رسانه، نشان‌دهنده تلاش تهران برای گسترش نفوذ خود در منطقه اوراسیا و فراتر از آن است. در قلب این سفر، نقشه راه همکاری‌های ایران و بلاروس برای سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۶ قرار دارد؛ سندی که به گفته رئیس‌جمهور ایران، «روند مناسبات را به خوبی روشن کرده» و قرار است به طور کامل اجرایی شود. این نقشه راه، نه فقط یک چارچوب همکاری اقتصادی بلکه بیانیه‌ای سیاسی در برابر نظم جهانی تحت سلطه غرب است.
پزشکیان با اشاره به سازمان‌های نوظهوری چون بریکس، شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از آنها به عنوان «ظرفیت‌هایی برای عبور از یکجانبه‌گرایی» یاد کرد. این سخنان در کنار تأکید بر «عدم محدودیت» ایران در توسعه روابط با بلاروس نشان‌دهنده تغییر لحن دیپلماسی ایرانی در

دوران پساجام است؛ دیپلماسی‌ای که دیگر منتظر گشایش از سوی غرب نیست. همگرایی سیاسی ایران و بلاروس تنها به سطح دوجانبه محدود نمی‌شود. هر دو کشور در مجامع بین‌المللی، از جمله سازمان ملل، مواضعی همسو اتخاذ کرده‌اند. پزشکیان از «مواضع قاطعانه بلاروس» در محکومیت حملات آمریکا و اسرائیل به خاک ایران تقدیر کرد و آن را «نقض صریح منشور ملل متحد» خواند.

این همسویی، در شرایطی که نظم جهانی در حال بازتعریف است، می‌تواند به ایران کمک کند تا جایگاه خود را در ساختارهای چندقطبی آینده تثبیت کند.

در کنار توافقات اقتصادی، بخش قابل توجهی از اسناد امضا شده به حوزه‌های فرهنگی، رسانه‌ای و گردشگری اختصاص داشت. پزشکیان از آمادگی ایران برای «ارائه تصویر واقعی از دو کشور» سخن گفت؛ عبارتی که می‌توان آن را تلاشی برای مقابله

بخش دیگری از گفت‌وگو به فضای روانی پس از جنگ اختصاص داشت. وزیر خارجه تأکید کرد که جنگ متوقف شده اما جنگ روانی دشمن ادامه دارد. رسانه‌ها و جریان‌های مخالف تلاش می‌کنند، جامعه را در حالت بلاتکلیفی و اضطراب دائمی نگه دارند. از نظر او، مدیریت این فضا همان قدر مهم است که مدیریت جنگ واقعی. مردم نباید دچار خوش‌بینی مفرط یا اضطراب غیرمعمول شوند؛ بلکه باید واقع‌بینانه بدانند که ایران هم آماده جنگ است و هم در پی بهره‌گیری از فرصت‌های دیپلماتیک. عراقچی در برابر پرسش خبرنگار که او را «محافظه‌کارتر از دوران معاونت برجامی» توصیف کرد، توضیح داد: وزیر یا معاون بودن تفاوتی در اصل ماجرا ایجاد نمی‌کند. همه وزرای خارجه در چارچوب تصمیمات کلان حرکت می‌کنند و تفاوت عملکرد آنان در نحوه اجراست. او گفت، مذاکرات پیش از جنگ کاملاً در وزارت خارجه طراحی شد و در محدوده خطوط قرمز به خوبی پیش رفت. بنابراین حرکت در چارچوب تعیین شده را نباید محافظه‌کاری خواند بلکه وظیفه سازمانی است.

سخنان عراقچی نشان می‌دهد که دولت چهاردهم سیاست خارجی خود را بر سه محور استوار کرده است: تعامل فعال منطقه‌ای؛ از نگاه تهران، امنیت و ثبات منطقه باید توسط کشورهای منطقه تضمین شود و نباید اجازه داد رژیم صهیونیستی با گسترش جنگ، منطقه را به آشوب بکشاند. مقاومت در مذاکرات هسته‌ای؛ ایران آماده مذاکره است اما تسلیم مطالبه‌های حداکثری غرب نخواهد شد. غنی‌سازی حق ملی و یک دستاورد علمی است که کنار گذاشته نخواهد شد. ترکیب قدرت سخت و نرم؛ دیپلماسی تنها زمانی موفق است که پشتوانه قدرت نظامی و اقتصادی کشور وجود داشته باشد. تجربه جنگ ۱۲ روزه نیز نشان داد که این دو باید هم‌زمان به کار گرفته شوند.

گفت‌وگوی اخیر عراقچی، تصویری چندوجهی از سیاست خارجی دولت چهاردهم ارائه می‌دهد؛ سیاستی که بر خلاف برخی برداشت‌های رایج، نه بر نفی مطلق مذاکره استوار است و نه بر تکیه صرف بر جنگ. دولت پزشکیان و وزارت خارجه عراقچی در تلاش‌اند تا در هر مقطع با توجه به مصالح عالیه مردم تصمیم بگیرند؛ گاه مذاکره، گاه مقاومت و گاه آمادگی نظامی.

ایسن نگاه انعطاف‌پذیر، اگرچه از سوی برخی منتقدان به محافظه‌کاری یا خوش‌بینی تعبیر می‌شود اما در واقع تلاشی است برای متوازن کردن دیپلماسی و قدرت سخت در شرایطی که کشور در معرض تهدیدات جدی قرار دارد. در نهایت، پیام اصلی عراقچی به افکار عمومی روشن است: ایران آماده مذاکره هست اما نه به قیمت تسلیم؛ آماده جنگ هم هست اما نه به بهای التهاب و اضطراب دائمی جامعه.



با روایت‌های غالب رسانه‌های غربی دانست. همچنین همکاری در زمینه‌های گمرکی، ترانزیت کالا و سرمایه‌گذاری مشترک، نشان‌دهنده تلاش دو کشور برای ایجاد زیرساخت‌های پایدار در روابط اقتصادی است؛ زیرساخت‌هایی که می‌توانند در برابر نوسانات سیاسی مقاومت کنند. سفر پزشکیان به بلاروس، بیش از آنکه یک دیدار تشریفاتی باشد، پیامی روشن به جهان مخابره کرد: ایران در حال بازتعریف روابط خارجی خود است، با تکیه بر کشورهایی که در برابر فشارهای غربی ایستادگی کرده‌اند. بلاروس با سابقه‌ای مشابه در مواجهه با تحریم‌ها و فشارهای سیاسی، شریک مناسبی برای این مسیر به نظر می‌رسد.

در جهانی که نظم آن در حال دگرگونی است، این سفر را می‌توان بخشی از تلاش تهران برای یافتن جایگاهی جدید در معماری سیاسی آینده دانست، جایگاهی که دیگر در انتظار تأیید واشینگتن یا بروکسل نخواهد بود.

ترجمه

ماجرای اتاق بیضی

تحلیل فارن پالیسی از دیدار زلنسکی و ترامپ

صحنه آشنا بود؛ دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده و ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین در دفتر بیضی نشسته بودند و جی.دی. ونس معاون رئیس‌جمهور آمریکا و مارکو رویو وزیر خارجه، روی کاناپه‌ای در سمت چپ ترامپ حضور داشتند. اما برخلاف آخرین باری که این صحنه مشابه رخ داده بود، این بار نه مشاجره‌ای در گرفت و حتی چند لحظه‌ای شوخ‌طبعی هم دیده شد. زلنسکی یکی از نقاط مناقشه جلسه فوریه را حتی پیش از شروع صحبت‌ها حل کرد. این بار او کت‌وشلوار پوشیده بود. او حتی با برایان گلن، خبرنگار رسانه راست‌گرای Real Amer-ica’s Voice گفت‌وگویی دوستانه داشت؛ کسی که پرسش او درباره پوشش غیررسمی زلنسکی در فوریه گذشته، آتش مشاجره را شعله‌ورتر کرده بود. زلنسکی همچنین بارها از ترامپ بابت حمایت‌های مداومش تشکر کرد و عملاً جلوی حمله معروف دیگری از سوی ونس که در جلسه پیشین باعث آغاز اختلاف شد را گرفت. ترامپ هم این بار در حال و هوای بخشنده‌تری به نظر می‌رسید. او گفت: «ما یک جلسه خواهیم داشت. فکرمی‌کنم اگر امروز همه چیز خوب پیش برود، یک جلسه سه‌جانبه خواهیم داشت». او به دیدار سه‌جانبه پیشنهادی با زلنسکی و پوتین اشاره داشت. «و فکر می‌کنم احتمال معقولی وجود دارد که وقتی این کار را انجام دهیم، جنگ به پایان برسد».
نشانه دیگری از تغییر موضع ترامپ نسبت به حمایت‌های پیشین‌اش از اوکراین، پاسخ او به پرسش‌های متعدد خبرنگاران بود درباره اینکه آیا نیروهای آمریکایی را برای تضمین امنیت اوکراین در قالب توافق صلح نهایی اعزام خواهد کرد یا نه. او در حرکتی که شاید برای اوکراین دلگرم‌کننده بود این گزینه را رد نکرد. ترامپ گفت: «وقتی صحبت از امنیت می‌شود، کمک زیادی خواهد بود. این خوب خواهد بود.» او به کشورهای اروپایی اشاره داشت که قرار بود بعداً در روز دوشنبه با آنها دیدار کند. «آنها خط مقدم دفاع هستند چون همان جا حضور دارند اما ما هم به آنها کمک خواهیم کرد. ما هم درگیر خواهیم شد. من مفهوم آتش‌بس را فقط به یک دلیل دوست دارم؛ چون فوراً جلوی کشتن مردم را می‌گیرد برخلاف یک یا دو هفته یا هرچقدر طول بکشد. اما ما می‌توانیم توافقی داشته باشیم که در آن در حالی که جنگ ادامه دارد، روی صلح کار کنیم. آنها مجبورند بجنگند. من آرزو می‌کنم، بتوانند متوقف شوند، من دوست دارم متوقف شوند اما از نظر راهبردی این می‌تواند به ضرر یک طرف یا طرف دیگر تمام شود».
ترامپ گفت پیش از نشستن با زلنسکی، «به‌طور غیرمستقیم» با رئیس‌جمهور روسیه صحبت کرده است. او افزود: «او منتظر تماس من است وقتی این جلسه تمام شود».

منبع: فارن پالیسی

گزارش نشست

از مصدق تا خاتمی

مناظره محمود کاشانی و رضا مختاری درباره محمد مصدق



نشست «کودتا یا گسست ملی؟ مروری بر تقصیرها و تصمیم‌ها» یک‌شنبه ۲۶ مرداد با حضور محمود کاشانی، حقوقدان و تاریخ‌پژوه (و فرزند آیت‌الله کاشانی)، و رضا مختاری اصفهانی، سندپژوه، در خبرآنلاین برگزار شد. در این نشست بخش‌هایی از اظهارات محمود کاشانی به بررسی روایت‌های رایج از وقایع مرداد ۱۳۳۲ و نقد عملکرد دولت دکتر محمد مصدق اختصاص داشت.

کودتا در اینهام

کاشانی گفت که در ۷۰ سال اخیر، واژهٔ «کودتا» علیه دولت مصدق بارها تکرار شده، کتاب‌های بسیاری در این باره نوشته شده و رسانه‌هایی مانند صداوسیما تبلیغات گسترده‌ای انجام داده‌اند. با این حال به گفته او، پیچیدگی روند حوادث و قالب‌های روایی موجود باعث شده که جامعه هم‌چنان از واقعیت کامل این رویداد آگاه نباشد. او افزود: برداشت رایج آن است که «مصدق نفت را ملی کرد سپس با کودتا سرنگون شد»، اما این روایت به وقایع و تصمیم‌های مهم دو سال و چهار ماه زمامداری او نمی‌پردازد. کاشانی با اشاره به خاستگاه «نهضت ملی ایران» در شهریور ۱۳۲۰ آن را حرکتی مسالمت‌آمیز دانست که هدفش برگزاری انتخابات آزاد مجلس و جلوگیری از دخالت دولت‌ها (به‌ویژه سیاست‌های بریتانیا) در روند انتخابات بود. کاشانی گفت تیر ۱۳۳۲ در حالی که پایگاه اصلی نهضت در مجلس بود، مصدق بدون مقدمه اعلام کرد قصد تعطیلی مجلس هفدهم را دارد؛ مجلسی که انتخابات آن توسط خود او برگزار شده بود. او توضیح داد در جریان انتخابات این مجلس، با یک مصوبه غیرقانونی، از ورود ۵۶ نماینده از مجموع ۱۳۶ نفر جلوگیری و انتخابات در ۳۳ حوزه برگزار نشد؛ اقدامی که به گفته کاشانی از عوامل تضعیف نهضت به شمار می‌رفت.

بحران‌های دوره مصدق

رضا مختاری اصفهانی، نهضت ملی شدن صنعت نفت را ادامه طبیعی انقلاب مشروطه دانست و گفت همان نگاهی که در مشروطه وجود داشت؛ یعنی پیوند استبداد و استعمار و اتکا به ملی‌گرایی زاده آن دوره در نهضت ملی نیز جریان داشت. به گفته او، هرچند در دوره رضاشاه هم نوعی ملی‌گرایی دیده می‌شد اما با «کیش شخصیت» سلطنتی درآمیخته بود. در مقابل، ملی‌گرایی نهضت ملی شدن نفت بازگشتی به روح مشروطه و عاری از کیش شخصیت بود. مختاری اصفهانی افزود در این دوره، نهاد سلطنت برخلاف دوران رضاشاه از قدرت مطلقه فاصله گرفته و توان تحمیل اراده کامل بر جامعه را نداشت. او یادآور شد که ناکامی‌های مشروطه و عملکرد پهلوی اول (با وجود برخی پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و قضایی) موجب رکود سیاسی مشروطه شده بود. سپس جنگ جهانی دوم و اشغال ایران، ضربه دیگری بر پیکر ملی‌گرایی زد و نهضت ملی شدن نفت را به فرصتی دوباره برای احیای آن بدل کرد. به گفته او، مصدق هنگام پذیرش نخست‌وزیری در اردیبهشت، دو اصل را مبنای برنامه خود گذاشت و حتی در اصلاحات اجتماعی مانند حقوق زنان یا مناسبات مالک و رعیت، تصریح کرد که برخی امور را باید به آینده موکول کرد. از همان آغاز با فشارهای خارجی، کارشکنی‌های داخلی و تغییر موضع متحدان سابق روبه‌رو شد؛ وضعیتی که مختاری اصفهانی آن را با تجربهٔ «۹ روز یک بحران» در دولت خاتمی مقایسه کرد. وی از حضور نیروهای سیاسی متنوع (از فداییان اسلام تا حزب توده، دربار و حتی گروهایی که به‌ظاهر حامی مصدق بودند) در ایجاد آشوب و التهاب مداوم سخن گفت. به گفته او، مجلس هفدهم به عرصهٔ فحاشی و درگیری بدل شده و برخی نمایندگان به دست داشتن در ترور مهیم افشارطوس متهم بودند؛ پرونده‌ای که حتی پس از کودتا هم به طور شفاف بررسی نشد. مختاری اصفهانی ادامه داد: «هرگاه طرف‌داران مصدق تظاهراتی برگزار می‌کردند، او متهم می‌شد که از «خیابان علیه مخالفان» به‌ره‌برداری می‌کند. به باور مختاری اصفهانی، مصدق در برابر این اتهام به مکانیسم‌های قانونی متوسل شد زیرا اعتقاد داشت، قانون اساسی مشروطه برآمده از اراده جمعی مردم است و قابلیت اصلاح دارد. با این حال، او یک خطر مهم را نادیده گرفت: نقش نیروهای نظامی در سیاست و انتخابات. نمونه بارز آن، برگزیده شدن سیدحسن امامی، روحانی شیعه از شهر سنی‌نشین مهاباد بود که حضور نظامیان در آن تعیین‌کننده بود.» مختاری اصفهانی با اشاره به پیوستگی بحران‌ها، گفت: «قدرت‌های خارجی در کارشکنی لحظه‌ای درنگ نکردند. مصدق، از بیم شورش تهی‌دستان، در پی یافتن منابع مالی بود اما اقتصاد بدون نفت در آن زمان، به دلیل فقدان زیرساخت، بیش از یک شعار نبود. او درنهایت هم‌زمان با بحران اقتصادی، فشارهای سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی همچنان از حمایت گسترده مردمی برخوردار ماند. مخالفان نتوانستند، پایگاه اجتماعی او را تصاحب کنند و جامعه تنها پس از کودتا دچار انفعال شد.» موج دستگیری‌های پس از کودتا نیز به گفته مختاری اصفهانی نشان می‌داد که یاد و نام مصدق همچنان در میان ایرانیان زنده است.

مصدق و حزب توده

به گفته محمود کاشانی با آغاز نخست‌وزیری مصدق در سال ۱۳۳۰ حزب توده که پیش‌تر غیرقانونی اعلام شده بود، دوباره به عرصهٔ سیاست بازگشت و آغاز به رشد کرد. او به تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۳۰ اشاره کرد؛ روزی که «آوّل هرمن»، نمایندهٔ رئیس‌جمهور آمریکا، برای حل مسألهٔ نفت وارد ایران شد. در همان روز، حزب توده تظاهرات گسترده‌ای مقابل ساختمان بهارستان برپا کرد که درگیری با نیروهای انتظامی را به‌دنبال داشت و منجر به کشته شدن یک پاسبان و چند شهروند شد. به گفته کاشانی، در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ حزب توده به عنوان نیروی پشتیبان شخص مصدق در صحنهٔ سیاسی فعال بود و یکی از نگرانی‌های عمده نمایندگان مجلس، رهبران نهضت ملی، علما و مراجع قدرت‌گیری این حزب محسوب می‌شد. او تصریح کرد: «علت روشن است؛ مصدق می‌خواست با استفاده از قدرت حزب توده، رهبران نهضت ملی ایران را سرکوب کند و این کار را هم انجام داد. اسناد موجود است، هرچند اکنون به آن‌ها نمی‌پردازم.» کاشانی افزود که دکتر مصدق با کمک حزب توده، برنامه‌های خلاف قانون اساسی خود را پیش برد و نقش این حزب در منحل کردن مجلس کاملاً محوری بود. مختاری اصفهانی اما ضمن رد تحلیل کاشانی گفت: «من معتقد نیستم حزب توده می‌توانست کنترل اوضاع را به دست بگیرد. نقش این حزب بزرگ‌نمایی شده است.» او وجود گروهی موسوم به «توده‌ای-نفتی‌ها» را مطرح کرد؛ افرادی که با پول بریتانیا به نام حزب توده، اقدام به ایجاد ناآرامی، شکستن شیشه‌ها و ایجاد بهانه برای سرکوب می‌کردند.

تازه‌های ادب و هنر

کافه

پس از ۳۵ سال

رونمایی و نقد و بررسی رمان شب ملخ جواد مجابی با حضور محمود دولت‌آبادی

«شب ملخ» جواد مجابی، رمانی که در دوران جنگ ایران و عراق و در اوج بمباران‌های شهری، نوشته شده، امسال بعد از ۳۵ سال بازنشر شده و در مدت‌زمان کوتاهی به چاپ دوم رسیده است. «شب ملخ» اثری گروتسک دربارهٔ جنگ و ویرانی‌ها و فجایع ناشی از آن است که سویه‌های آسیب‌زای گوناگون جنگ را با طنزی سیاه به تصویر می‌کشد. به مناسبت انتشار دوباره این رمان پس از سال‌ها، جلسه رونمایی و نقد و بررسی آن را با حضور منتقدان و جمعی از اهل فرهنگ در کتابفروشی کافه‌کتاب برگزار کرد. در این نشست، محمود دولت‌آبادی، مهسا محب‌علی، علی مسعودی‌نیا و علی شروقی دربارهٔ رمان «شب ملخ» و جهان تکه‌تکه‌ای که مجابی در این رمان خلق کرده است، سخن گفتند.

در ابتدای نشست، پوریا سوری پس از خواندن بخشی از رمان «شب ملخ» گفت: «چاپ دوم این کتاب هم‌زمان با جنگ ایران و اسرائیل به بازار کتاب آمد. هم‌زمانی که خواندن کتاب را مهم‌تر می‌کرد و صحنه‌هایش تکرارپذیر بود و با وجود جنگ و اینکه مردم در این دوره بیشتر بر مایحتاج اولیه زندگی تمرکز می‌کردند و در خرید اقلام فرهنگی محتاط شده بودند، باز هم این کتاب با استقبال خوبی مواجه بود.»

رمان ضدجریان

پس از صحبت‌های سوری، علی مسعودی‌نیا، داستان‌نویس و منتقد ادبی، به بررسی رمان «شب ملخ» و ویژگی‌های سبکی آن پرداخت و گفت: «کتاب‌هایی که کلمه «شب» را در عنوان خود داشته‌اند معمولاً آثار خوبی از کار درآمده‌اند و «شب ملخ» هم این‌گونه است. این کتاب را که الان دوباره می‌خوانید، می‌بینید که اصلاً بوی کهنگی در فرم و مضمون را نمی‌دهد. ۳۵ سال کم نیست. این همه مدت گذشته ولی این رمان هنوز جدید است و انگار اصلاً تازه نوشته شده است. اگر بخواهیم جریان‌شناسانه، به نسبت به روزگاری که «شب ملخ» در آن منتشر شده، به آن نگاه کنیم، می‌بینیم که این رمان یک اثر ضد جریان محسوب می‌شود. این رمان با توجه به پتانسیل‌های زیادش باید خیلی زودتر از اینها بازنشر و بازخوانی می‌شد.»

مسعودی‌نیا به مولفه‌های پست‌مدرن، سوررئال و نیز استفاده از تکنیک کلاژ در «شب ملخ» اشاره کرد و گفت: «در این اثر که یک اثر ضدپلات است از فرم کلاژ در نقاشی استفاده شده به این صورت که تکه‌های مجزا کنار هم قرار گرفته‌اند و با نظم هم کنار هم قرار نگرفته‌اند و قرار است، شما وقتی کلیت این اثر را می‌خوانید از کنار هم نشاندن قطعاتی که پیش روی‌تان بوده، تصویر دوباره‌ای بسازید و به نتایجی برسید که این نتایج نامحدود است. از طرف دیگر خود نویسنده واقعاً از نظر خرج کردن ایده‌ها گشاده‌دست عمل کرده چون با هر کدام از ایده‌های این رمان می‌شود یک رمان مجزا نوشت. از «شب

نقدسریال

رازهایی تاریک در دل طبیعت

نگاهی به سریال **بکر** ساخته توماس بزوپا

گروه سینما

مینِی‌سِریال ۶ اپیزودی «بکر»(Untamed)از ۱۷ ژوئیه به صورت انحصاری در تفلیکس منتشر شده است. این سریال از همان هفته نخست انتشار در فهرست پربیننده‌ترین آثار تفلیکس جای گرفت و توانست توجه منتقدان و تماشاگران را هم‌زمان جلب کند. این مجموعه در ژانر معمایی، جنایی و روان‌شناختی محصول ۲۰۲۵ تولید ایالت متحده آمریکاست که فیلمنامه آن توسط «مارک ال.اسمیت» به نگارش درآمد و توسط «توماس بزوپا» کارگردانی شد.

از آثار شاخص این کارگردان آمریکایی، فیلم «رهایش کن» در ژانر درام وسترن با هنرنمایی «کوبین کاستنر» و «دایان لین» است که در سال ۲۰۲۰ به اکران درآمد. «بزوپا» تأکید کرده این پروژه «رهایش کن» برایش مثل یک تراژدی مدرن و سبک «نیو-وسترن» بود و همین باعث شد اگر قرار هست، خانه‌ای را بسوزاند حتماً واقعی بسوزد نه اینکه جلوه‌های ویژه باشد. انگیزه‌اش، اصالت و حس ملموس در روایت بود از این رو خود را «برنده قلب تماشاگر» می‌داند و معتقد است در آثارش، جلوه‌های بصری باید حاصل دوربین‌اش باشد نه هوش مصنوعی.

«اریک بانا»، «لیلی سانتیاگو»،«روزماری دویت» و «سم نیل» از بازیگران «بکر» است. داستان با سقوط مرموز دختر جوانی از صخره معروف در پارک ملی «یوسمیتی» در «کالیفرنیا» آغاز می‌شود. در حالی که حادثه در نگاه اول یک سانحه عادی به نظر می‌رسد، ورود افسر ویژه «کایل ترنر» با بازی درخشان «اریک بانا» همه چیز را تغییر می‌دهد. او به زودی درمی‌یابد که مرگ این زن به شبکه‌ای از فساد، رازهای خانوادگی و حتی گذشته تاریک خودش گره خورده است. این اثر نمایشی، ترکیبی از چشم‌اندازی خبره‌کننده طبیعی، داستانی پر کشش و شخصیت‌های چندلایه را به مخاطبان عرضه می‌کند. سکانس اولیه «بکر» هیجان‌انگیز شروع می‌شود و نوید از آن می‌داد که این

ملخ» هم می‌توانیم یک قرائت مدرن داشته باشیم و هم بسیاری از مولفه‌های تکنیکی پست‌مدرن در آن وجود دارد و با توجه به این‌که از دههٔ ۷۰ تا اواسط دههٔ ۸۰ از این مولفه‌ها به‌عنوان شاخصه‌های یک اثر به‌روز صحبت می‌کردیم، شگفتا که به سراغ این کتاب نیامدیم. وقتی جهان کلی این اثر را دنبال می‌کنید با جهانی نسبتاً آخرالزمانی مواجه می‌شوید که مردگان و زندگان در آن آمیخته شده‌اند و همه محکوم به ناپودی و تعلیق ابدی هستند. از اول داستان هم نویسنده هیچ تلاشی نمی‌کند، خودش را پنهان کند. او در داستان حضور دارد و حضورش هم تعاملی است. می‌خواهد بازی را با ما شروع کند و مدام این بازی را به شکل‌های مختلف انجام می‌دهد. تا یک جایی پیرنگ را پیش می‌برد و بعد رها می‌کند. او مدام دارد ما را فریب می‌دهد و دست می‌اندازد و به ما خیانت می‌کند و در عین حال دوباره فرییش را می‌خوریم. در این رمان، هم کمدی موقعیت را می‌بینیم و هم کمدی بز‌ویکوب و طنز در کلام را. همچنین تا می‌آییم به یک زاویه دید عادت کنیم، نویسنده از آن می‌گذرد.»

نقطه عطف کارنامه مجابی

علی شروقی صحبت‌های خود را با نقل خاطره اولین مواجهه‌اش با نام جواد مجابی از طریق رمان «شب ملخ» آغاز کرد و گفت: «نزدیک دوم خرداد ۷۶ نشریه‌ای علیه جریان اصلاحات که آن زمان تازه داشت تا می‌گرفت، منتشر شد که در آن در نقد کارنامه اصلاح‌طلبان به انتشار رمان «شب ملخ» در دوره وزارت ارشاد خاتمی هم اشاره شده بود. اسمم جواد مجابی را اولین بار آن‌جا و در کنار رمان «شب ملخ» دیدم و نسبت به خواندن رمان کنجکاو شدم و بعدها نسخه‌ای از آن را، نسخه‌ای که طرح جلدش کار زنده‌یاد مرتضی ممیز بود، پیدا کردم و خریدم. «شب ملخ» اگرچه راجع به جنگ است اما صرفاً درباره جنگ نیست. جنگ در این رمان تمثیل یک شوک بزرگ هم هست که به‌واسطه وقوع آن بسیاری از مسائل قدیمی که در اعماق تاریخ مدفون مانده‌اند رو می‌آیند. در واقع، جنگ و بمباران در این رمان، آدم‌ها را از ورای ویرانی با تاریخی مدفون مواجه می‌کند. «شب ملخ» نقطه عطفی در کارنامهٔ مجابی و به گمان من آغاز سبکی از نویسندگی در کار اوست که تا امروز ادامه یافته و به‌تدریج پخته‌تر شده و ابعادی گسترده‌تر پیدا کرده است. مجابی همین تازگی از کار تازه‌ای می‌گفت که بدون طرحی از پیش اندیشیده شروع به نوشتنش کرده بود بی‌آنکه بداند به چه سمتی خواهد رفت؛ نوعی کلاژ شعر و طنز و داستان و تأملات و یادداشت‌های روزانه. این شیوه به نظر من از «شب ملخ» به‌طور جدی آغاز شد، گرچه رد آن را در آثار قدیمی‌تر مجابی هم می‌بینیم. این را هم بگویم که این گونه نوشتن ممکن است، ساده به نظر برسد اما بسیار دشوار است چون اگر نویسنده‌ای بی‌تجربه دست به چنین کاری بزند، نمی‌تواند انسجام

مجموعه همراه با تشش و تعلیق همراه باشد اما ریتم کند سریال مانع از این اتفاق در مینی‌سریال «بکر» شده و لحن آرام آن از نقاط ضعف مجموعه محسوب می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای «بکر» بهره‌گیری هنرمندانه از طبیعت رام نشده پارک «یوسمیتی» است. این پارک سومین و مشهورترین پارک ملی آمریکاست که در ایالت کالیفرنیا قرار دارد و روزانه حدود ۱۵ هزار نفر از آن بازدید می‌کنند. عمده شهرتش به خاطر صخره‌های گرانیته عظیم، آبشارهای مرتفع، دره‌های یخچالی و جنگل‌های بزرگ درختان سکویای غول‌پیکر جهانی است.

در سِریال، نماهای لانگ‌شات از صخره‌ها، جنگل‌ها و رودخانه‌ها نه تنها به عنوان پس‌زمینه‌ای زیبا عمل می‌کنند بلکه خود به عنصر روایی بدل شده‌اند. طبیعت در این سریال صرفا صحنه رویداد جنایت نیست بلکه مانند شخصیتی مستقل و پر رمز و راز حضور دارد که علاوه بر آرامش، تهدیدگر هم است. البته گفته می‌شود، بخش عمده‌ای از فیلمبرداری در جنگل‌های کانادا انجام شده است. «بکر» علاوه بر روایتی جذاب از کشف یک جسد زن جوان به نام «لوسی» در این مسیر، مخاطب را با دنیایی از فساد، تجارت مواد مخدر و خانواده‌های بومی روبه‌رو می‌کند. از همه مهم‌تر به زندگی شخصیت «کایل ترنر» و پیچیدگی‌های روانی که دارد، می‌پردازد. او که مامور ویژه خدمات تحقیقات پارک ملی است به همراه دستیارش «نایا» درصدد حل کردن پرونده هستند. از این رو مجموعه «بکر» هم ماجراجهور است هم شخصیت‌محور. «ترنر» همچنان سوگوار پسر خردسال خود است که به طرز فجیعی در این پارک کشته شده است. نمایش جنبه‌های روانی این مامور زخم‌خورده، لحظات تاریک و احساسی را به تصویر درمی‌آورد.

در کل سایر بازیگران از جمله «سم نیل» در نقش «پل سوتر» به عنوان مدیر پارک و رفیق قدیمی «ترنر» بازی برجسته‌ای دارد. «لوسی» – جسد زنی که در ابتدای فیلم، روایت با آن آغاز می‌شود– در واقع فرزند نامشروع پل است که مخاطب به تدریج متوجه می‌شود در مرگ وی کسی دخیل نبوده است. بازیگری در این مجموعه، قوی و باورپذیر است و «اریک بانا»، هنر پیشه استرالیایی به خوبی توانسته میان وظیفه و حرفه‌اش و کشمکش‌های شخصی‌اش تعادل برقرار کند. اما از یک سو ایده‌هایی که «بکر»

سینمای جهان

بازگشت پر قدرت

کوین اسپسی با فیلمش به جشنواره دعوت شد

قادر دولتزاده

خیزنگار

کوین اسپسی که در جریان جشنواره فیلم کن در انتظار عمومی ظاهر شد، این بار در جشنواره فیلم ونیز حضور خواهد یافت تا تریلر فیلم علمی – تخیلی جدیدش را که خود کارگردانی و در آن بازی کرده است، رونمایی کند. این فیلم با عنوان «حماسه هولیگاردز» قرار است، آغازگر یک مجموعه فیلم سینمایی باشد و علاوه بر اسپسی، بازیگرانی چون دولف لاندگرن، تایر یس گیبسون، بریانا هیلدبرند، دیشا پاتانی، اریک رابرتز، هری گودوینز و لادو اوخوتیتکوف نیز در آن حضور دارند.

داستان فیلم بر محور نبرد دو جناح ماورایی باستانی، هالی گاردها و استاتی گاردها، شکل گرفته است که جنگی پنهانی برای کنترل بشریت به راه انداخته‌اند. در میانه این کشمکش، زنی درمی‌یابد که فرزند دو رهبر رقیب است و همین راز به او قدرتی می‌دهد که می‌تواند جنگ را پایان دهد. این رویداد روز ۲۹ آگوست در قالب یک مراسم گالا در جشنواره ونیز برگزار خواهد شد. هشتادودومین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز از ۲۷ آگوست تا ۶ سپتامبر (۵ تا ۱۵ شهریور) در ایتالیا برگزار می‌شود.

اسپسی پس از دو دهه دوباره پشت دوربین رفته است. این نخستین تجربه کارگردانی او از سال ۲۰۰۴ و فیلم «آن سوی دریا» به ششم می‌رود. فیلمبرداری پروژه ۱۰ میلیون دلاری «هولیگاردز» در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ در مکزیک انجام شد، فیلمنامه را لادو اوخوتیتکوف و سرگی تورچیلین نوشته‌اند و تهیه‌کنندگی اثر برعهده پاترسون-گاوریلووا بوده است. اسپسی طی ماه‌های اخیر حضوری فعال در رویدادهای بین‌المللی داشته است. او در ماه مه در جشنواره کن فرانسه برای دریافت جایزه بنیاد صندوق دنیای بهتر (Better World Fund) حضور یافت و در سخنرانی‌اش تأکید کرد که پس از سال‌های دشوار، امروز بیش از هر زمان دیگر با آرامش و بخشش به زندگی نگاه می‌کند.

او پیش‌تر نیز جوایزی از جمله جایزه دستاورد هنری ایتالیا را دریافت کرده بود. حضورهای اخیرش در جشنواره سریال‌های جهانی ایتالیا و رویداد «شب‌های توسکانی» آندره‌آ بوجلی نیز بخشی از تلاش‌های آشکار او برای بازگشت به دنیای سینما و بازیگری است. چندی پیش کوین اسپسی خواستار انتشار اسنادی شده که گفته می‌شود، نام شرکای جفری اپستین، سرمایه‌دار بدنام و متهم به جرائم جنسی را فاش می‌کنند. او در این باره گفت: «حقیقت هرچه زودتر فاش شود، بهتر است».

اتهامات آزار جنسی علیه اسپسی ضربه‌ای جدی به حرفه او وارد کرد و موجب شد، هالیوود از او فاصله بگیرد. در اکتبر ۲۰۲۲ شکایتی از سوی بازیگر آنتونی رپ که مدعی شده بود در ۱۴ سالگی توسط اسپسی مورد تعرض قرار گرفته رد‌دگاه رد شد. همچنین در سال ۲۰۲۴ اسپسی در یک دادگاه مدنی دیگر نیز تبرئه شد. در واکنش به این اتهامات، شخصیت اصلی او در سریال «خانه پوشالی» حذف و پروژه‌های سینمایی‌اش متوقف شد. وی تلاش کرد با فیلم مستقل «کنترل» در سال ۲۰۱۸ به عرصه بازگردد و پس از آن در فیلم ایتالیایی «مردی که خدا را ترسیم کرد» نقشی کوتاه ایفا کرد.

بهار امسال این بازیگر آمریکایی که پس از تیره از اتهامات آزار جنسی تلاش می‌کرد به سینما بازگردد، در جریان مراسمی خصوصی در کن فرانسه، جایزه‌ای برای یک عمر دستاورد هنری دریافت کرد. با این حال، مسئولان جشنواره کن صراحتاً اعلام کردند که این مراسم هیچ ارتباطی با جشنواره ندارد و اسپسی به‌طور رسمی به کن دعوت نشده است.

اسپسی در جریان سخنرانی خود در یک مراسم خیریه که با هدف حمایت از حقوق زنان، حفاظت از کودکان و آموزش برگزار شد، از آنچه «لیست سیاه هالیوود» خواند، انتقاد کرد. این بازیگر که پس از تیره از اتهامات آزار جنسی در سال ۲۰۲۳ تلاش می‌کرد به حرفه‌اش بازگردد، در این مراسم جایزه‌ای برای یک عمر دستاورد هنری از بنیاد «جهانی بهتر» دریافت کرد. اسپسی در سخنرانی خود گفت: «چه کسی فکر می‌کرد که تجلیل از کسی که در همه دادگاه‌هایی که قدم گذاشته، تبرئه شده، اقدامی شجاعانه تلقی شود؟»

او سپس به یاد کرک داگلاس، بازیگر بزرگ آمریکایی و حامی فیلمنامه‌نویس معروف دالتون ترامبو اشاره کرد و گفت: «باید به یاد داشته باشیم که داگلاس زمانی تصمیم گرفت از دالتون ترامبو، نویسنده برنده دو اسکار که به دلیل فهرست سیاه از کار بیکار شده بود، حمایت کند. از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۰ ترامبو در لیست سیاه بود، یعنی اجازه نداشت در هالیوود به عنوان نویسنده کار کند. ما معنای لیست سیاه را می‌دانیم، درست است؟ همه دالتون ترامبو و گروه ۱۰ نفره هالیوود را می‌شناسند اما گمان نمی‌کنم بسیاری از شما نام آن ۴۷۵ فعال دیگر صنعت سینما را شنیده باشید که زندگی‌شان با اتهامات دروغین نابود شد و آنها هم به مدت طولانی از کار محروم شدند». اسپسی پیش‌تر نیز در گفت‌وگو با خبرنگاران گفته بود: «خیلی خوشحالم که برگشته‌ام. حس می‌کنم در محاصره عشق و محبت قرار دارم. در هفته گذشته از دوستان و همکاران زیادی شنیده‌ام که به خاطر دریافت این جایزه به من تبریک گفته‌اند».



ادبیات، پیدایش منتقدین است. ما در جامعه به هزار علت، منتقد نداشته‌ایم یا منتقدانی داشته‌ایم که سرسری و غرض‌ورزانه نقد کرده‌اند. ولی هنر بزرگ منتقد، کوشش در فهم و فهماندن است. منتقد است که جامعه را به متن وصل می‌کند و متن را باز می‌کند تا فهم درستی از آن به دست آید. چون من اهل نقد نیستم، فقط می‌خواهم نکته‌ای را دربارهٔ این کتاب بگویم؛ با خواندن این کتاب یک حس مسخرگی و پوچی به ما منتقل می‌شود. حسی که کاملاً با برداشت قهرمانی از جنگ در ضدیت قرار می‌گیرد. جنگ چیز کثیف و نکبتی است که ۸ سال بر ما تحمیل شد. چقدر جوان در جنگ شهید شدند، چقدر انسان، بیمار و روان‌پریش شدند. مجابی در عین شوخ‌طبعی و یک نگاه نفی‌گرایانه به این پدیده وحشتناک اشاره کرده که به موجب آن شما اینجا نشسته‌اید و ناگهان می‌بینید که می‌توانستید، نباشید. آنچه سرانجام در این کتاب به دست می‌آید همین بی‌ربطی همین خراب کردن و خراب شدن زندگی و آغشته شدن زندگی به مرگ و آلوده شدن به کثافت و نکبت است.»

شعله کوچک امید را فروزان نگه داریم

جواد مجابی نیز در پایان این نشست گفت: «شب ملخ در سال ۶۶ نوشته شده است؛ در شب‌های موشک‌باران تهران و ترس از جنگ. طنز در این رمان، پوششی است برای ترس از مرگ و مسخره کردن مرگ و اهمیت دادن به زندگی و عشق و امید و مبارزه و دنیایی بهتر. پیرامون ما آن‌قدر جنگ و مرگ استیلا دارد که امید انسانی همواره کم‌رنگ به نظر می‌رسد. کار ما این است که این امید و شعله کوچک را فروزان نگه داریم بدون اینکه به دیگران امید واهی بدهیم. ما از اعماق ناامیدی می‌آیم و از امید سخن می‌گوییم و این فرق می‌کند با امیدی که دستمایه سیاست‌ورزان است.» مجابی هم‌چنین درباره چاپ اول رمان «شب ملخ» گفت: «این کتاب در سال ۶۹ چاپ شد و وقتی برای وزارت ارشاد ارسال شد آنها گفتند ۸ فصلش باید حذف شود. من فکر کردم شاید حسن‌نیت دارند و فکر می‌کنند، مجموعه داستان کوتاه است. مدتی گذشت و من گفتم ۸ فصل را درآوردم، در حالی که به کتاب دست نزده بودم. در واقع یک نوع مبارزه‌جویی با سانسور بود. کتاب چاپ شد و دو هفته بعد توقیف شد تا اینکه پس از ۳۵ سال وزن دنیا آن را چاپ کرد. سانسور خودش غم‌انگیز است و نمی‌توان با آن شوخی کرد. رمان «برج‌های خاموشی» من هم ۱۵ سال بعد منتشر شد. این شاید برای نویسنده صبور مهم نباشد ولی برای من که عادت ندارم سخت است. چون من روزنامه‌نگار بودم و عادت داشتم هرچه می‌نویسم فردایش منتشر شود.»



اثر را در عین تکه‌تکه بودن آن حفظ کند و مجابی اگر توانسته چنین کند، ماحصل سال‌ها تجربه زیسته و مطالعات فراوان اوست. «شب ملخ» رمانی است که هم با سنت ادبی ما قرابت دارد و هم مدرن است. وجه تمثیلی این رمان، ریشه‌دار در ادبیات کهن به‌خصوص شعر کلاسیک فارسی است. مجابی این وجه تمثیلی را تا به امروز در آثارش حفظ کرده و آن را کتاب‌به‌کتاب عمیق‌تر و پخته‌تر کرده است. در «شب ملخ» و آثاری که مجابی بعد از آن نوشت، فرد به جمع و به تاریخ متصل است و انسان در کار مجابی، مجموعه‌ای از تجربه‌های تاریخی و اجتماعی را در خود حمل می‌کند و خود بخشی از این تجربه است.»

ادبیات گسست باید دچار لکت باشد

مهسا محب‌علی صحبت‌های خود درباره رمان «شب ملخ» را این‌گونه آغاز کرد: «جملهٔ معروفی هست در تاریخ که می‌گویند ایام صلح، صفحات سفید تاریخ است و این متأسفانه درست است؛ یعنی ما از سال‌هایی که جنگ نبوده، چیزی نمی‌دانیم. انسان در شرایط بحرانی می‌خواهد، اثری را به پایداری برساند و از همین رو باید وقایع جنگ را روایت کند. «شب ملخ» نمونه‌ای از ادبیات ضد جنگ است که آن را به‌موقع خواندیم. در آن زمان که این رمان نوشته شده، یعنی در زمان جنگ، روح مردم به این کتاب نیاز داشته و فکر می‌کنم این رمان از زمان خودش جلوتر بوده است. انسان در گذشته عادت به پیش‌بینی وقایع نداشته است. انسان مدرن اما با عدد تقلیل یافته است. او می‌تواند هوا را پیش‌بینی کند و برای همه دقایقش برنامه دارد. این امر، جلوی تخیل را می‌گیرد چون آدم می‌داند چه اتفاقاتی قرار است بیفتد. بنابراین جایگاه تخیل از بین رفته است. حالا چنین انسانی یک‌باره با موشک مواجه می‌شود که فراتر از تخیل است، چون تخیل ما ناکارآمد شده است. ادبیاتی که دارد، گسست را تولید می‌کند باید دچار لکت باشد و نمی‌تواند با فرمی به‌جز فرم تکه‌تکه نشده، مفهوم تکه‌تکه شده را بیان کند. در «شب ملخ» این فرم جسورانه را می‌بینیم و این مسأله مهمی است.»

مثل یک جام شکسته

محمود دولت‌آبادی، نویسنده شاخص معاصر نیز در سخنانی درباره رمان «شب ملخ» ضمن ابراز خوشحالی از انتشار دوباره این رمان پس از سال‌ها، گفت: «این کتاب مثل یک جام شکسته شده است؛ مثل جام با شیشه‌ای که افتاده و خرد شده و حالا با خواندنش باید بتوانیم این تکه‌تکه‌ها را به یکدیگر متصل و مرتبط کنیم. یکی از مهم‌ترین بخش‌های



به کار گرفته شده، کلیشه‌ای است. به غیر از جلوه‌های بصری آن، کارگردان، آلمان خلافتانه‌ای به این سریال اضافه نکرده است. در واقع، مجموعه «بکر» فاقد نوآوری است در حالی که داستان جای کار بیشتری داشت و با شروع هیجان‌انگیزش می‌توانست تا قسمت آخر، روند سریع و تنش‌زا را نگه دارد. موسیقی مبنی‌مال «بکر» در خدمت اثر است. اما آنچه که این سریال را از سایر سریال‌های جنایی متمایز می‌کند، این است که کارکردش سرگرمی نیست بلکه به تردید و ترس‌های پنهان انسان معاصر می‌پردازد. اینکه رازها و خشونت‌ها در کف خیابان‌های شهر و برج‌ها رخ نمی‌دهد بلکه در دل آرام‌ترین چشم‌اندازهای طبیعی نیز می‌تواند پنهان شود. از این رو مجموعه «بکر» را باید سریالی در امتداد آثاری قرار داد که طبیعت را نه به عنوان پناهگاهی امن بلکه به شکل بستری برای بروز حقیقت‌های هولناک انسانی معرفی می‌کنند. به دلیل آنکه فرزند خردسال «ترنر»، بی‌گناه و بر اثر تعرض جنسی در پارک به قتل می‌رسد، همسر سابق وی با بازی «روزماری دویت» در نقش «جیلی بودین» خودش دست به اجرای عدالت می‌زند و انتقام پسرش را از قاتل می‌گیرد. بعد از تمام شدن این سریال ۶ قسمتی، ساخت فصل دوم آن بلافاصله مورد تایید قرار گرفت. «اریک بانا» گفته: «ما درباره اینکه بعد



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

ریزش در سه ناحیه

چرا بازار سهام با افت مواجه شد؟

مहतاب شهریار

گروه اقتصاد

معاملات بورس تهران در آخرین روز کاری هفته با ریزش هر سه نمآگر بازار سرمایه دنبال شد. این در حالی است که در ابتدای هفته، موج مثبت در بازار شکل گرفت و تا اواسط هفته جاری این موج تداوم یافت. با این حال بار دیگر فروشندگان بر خریداران بورسی غلبه کردند. به این ترتیب کاهش ارتفاع نمآگرهای بورسی مجدداً رقم خورد. روز چهارشنبه شاخص کل بازار سهام با ثبت کاهش ۷۶/۰ درصد (معادل ۱۸ هزار واحد) در سطح ۲ میلیون و ۴۷۵ هزار واحد به کار خود پایان داد و برای دومین روز متوالی زیر سطح ۲/۵ میلیون واحد جای گرفت. با این حال نمآگر هموزن کاهش کمتری را نسبت به شاخص کل به ثبت رساند. این شاخص با ثبت کاهش ۲/۰ درصد به سطح ۷۶۸ هزار واحد رسید. ارزش معاملات خرد نیز در پایان معاملات روز چهارشنبه به میزان ۳ هزار و ۶۱۸ میلیارد تومان رسید که از این میزان ۵۶۴ میلیارد تومان خروج پول توسط حقیقی‌ها به ثبت رسید. دلار آزاد که معاملات شب گذشته را در سطح ۹۳ هزار و ۴۰۰ تومان به پایان رسانده بود؛ معاملات دیروز را در سطح ۹۳ هزار و ۶۰۰ تومان آغاز کرد. در ادامه دلار برای فتح کانال ۹۴ هزار تومان خیز برداشت و در پله‌های پایانی کانال ۹۳ هزار تومان معامله شد. رصد جریان پول نشان می‌دهد همچنان پول‌ها تمایل بیشتری به صندوق‌های درآمد ثابت یا همان سپرده‌های بانکی و طلا نشان می‌دهند و به سهام بی‌اعتنایی می‌کنند. دلایل متعددی می‌توان برای تردید سرمایه‌گذاران برشمرد؛ از نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی گرفته تا نرخ بهره بالا و ناترازی‌های مختلف. اما این وضعیت یک ریشه بلندمدت‌تر دارد زیرا همه این شرایط شاید در سال‌ها یا حتی دهه‌های قبل هم وجود داشت. تفاوت اصلی آن است که مبنای اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی در ایران، دسترسی به رانت است. در این سال‌ها که شرکت‌های بورسی به طرق مختلف مانند افزایش قیمت گاز، برق، وام و حمایت‌های مالی به اصطلاح «رانت‌زدایی» شدند، رانت‌های اقتصادی به بخش‌های غیرشفاف رفته است و بازار سهام با وجود فضای تورمی نتوانسته رشد معناداری را تجربه کند.

چشم‌انداز هفته آینده

چشم‌انداز بازار سهام تهران در کوتاه‌مدت و میان‌مدت همچنان تحت تأثیر عوامل ساختاری و ریشه‌ای اقتصاد ایران قرار دارد که مانع از رشد پایدار این بازار شده است. کاهش اخیر شاخص کل و نمآگر هموزن، همراه با خروج مستمر پول حقیقی‌ها از بازار، نشان‌دهنده بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به بورس در مقایسه با گزینه‌های جایگزین مانند صندوق‌های درآمد ثابت، سپرده‌های بانکی و بازار طلا است. این بی‌اعتمادی ریشه در نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی، نرخ بهره بالا، ناترازی‌های مالی و مهم‌تر از همه، تداوم رانت‌جویی در بخش‌های غیرشفاف اقتصاد دارد. سیاست‌های اقتصادی فعلی، از جمله نرخ‌گذاری‌های دستوری و شکاف بین نرخ‌های بهره اسمی و واقعی، سرمایه‌ها را به سمت فعالیت‌های غیرمولد و رانت‌محور سوق داده است. برای مثال، اختلاف بین نرخ ارز بارانه‌ای و آزاد همچنان جریان سرمایه را از بازارهای شفاف مانند بورس به سمت دلالی و واسطه‌گری هدایت می‌کند. همچنین نرخ‌های بهره واقعی بالای ۴۰ درصد در بخش خصوصی، رقابت نابرابری را برای جذب سرمایه در مقایسه با بازار سهام ایجاد کرده است. این وضعیت نشان می‌دهد تا زمانی که رانت‌زدایی واقعی از بخش‌های غیرشفاف اقتصاد انجام نشود و سیاست‌های اقتصادی به سمت شفافیت و حمایت از تولید حرکت نکنند، بورس تهران احتمالاً همچنان با کمبود نقدینگی و نوسانات نزولی مواجه خواهد بود. با این حال در صورت اصلاح سیاست‌های کلان، مانند کاهش نرخ‌های بهره واقعی، رفع قیمت‌گذاری‌های دستوری و ایجاد ثبات در سیاست‌های ارزی و اقتصادی، می‌توان انتظار داشت که اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار سهام به‌تدریج بازگردد. در کوتاه‌مدت، احتمال تداوم نوسانات محدود و حرکت شاخص کل در کانال‌های فعلی (حول ۲/۴ تا ۲/۵ میلیون واحد) وجود دارد مگر اینکه شوک‌های سیاسی یا اقتصادی جدیدی رخ دهد. در میان‌مدت، بهبود شرایط مستلزم اصلاحات ساختاری است که بتواند، سرمایه‌ها را از مسیرهای رانت‌جویانه به سمت بازارهای مولد و شفاف هدایت کند. بدون این اصلاحات، بازار سهام احتمالاً همچنان در سایه گرنه‌های سرمایه‌گذاری غیرمولد و رانت‌محور باقی خواهد ماند.

بذر تنش

آیا خشکسالی اعتراض اجتماعی به دنبال دارد؟

سعید مشهوری

تطبیقگر اجتماعی

افراد زیادی هر سال به خاطر خشکسالی و تغییر اقلیم کار و زندگی خود را از دست می‌دهند. هیولای خشکسالی هر سال بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود و روستاها و شهرهای بیشتری را از زندگی ساقط می‌کند. اما این ساقط شدن‌ها برای ساختار سیاسی بدون هزینه نیست و نه تنها معیشت میلیون‌ها نفر را نابود می‌کند بلکه برای ساختارهای سیاسی هزینه‌های سنگینی به دنبال دارد. مردمی که از خشکسالی به سستوه آمده‌اند به امید یافتن زندگی بهتر به کلان‌شهرها پناه می‌برند اما در آنجا با بیکاری، فقر و حاشیه‌نشینی مواجه می‌شوند. این ناامیدی و محرومیت، آنها را به خیل ناراضیان تبدیل می‌کند که می‌توانند، ثبات هر نظامی را به چالش بکشند. اما این چرخه چگونه کار می‌کند؟

بیابان‌زایی به‌عنوان یک بحران زیست‌محیطی از طریق زنجیره‌ای از پیامدها، می‌تواند به تنش‌های اجتماعی و سیاسی منجر شود. خشکسالی‌های مداوم، کاهش منابع آبی و تخریب زمین‌های کشاورزی، معیشت میلیون‌ها نفر را تهدید می‌کند و به مهاجرت‌های اجباری، حاشیه‌نشینی و تشدید فقر دامن می‌زند. این عوامل با ایجاد ناراضیاتی و بی‌ثباتی اقتصادی می‌توانند زمینه‌ساز ناآرامی‌های اجتماعی شوند. در ایران، که با بحران شدید آبی و بیابان‌زایی مواجه است، این خطر به‌ویژه در مناطق روستایی و مرزی برجسته است. بر اساس گزارش‌ها، ایران در رتبه چهارم کشورهای در معرض خطر خشکسالی قرار دارد و تا سال ۱۴۲۰، ۵۰ تا ۷۰ میلیون نفر ممکن است سالانه با رویدادهای شدید اقلیمی مانند گرمای طاقت‌فرسا، کمبود آب و سیل مواجه شوند. این شرایط به‌ویژه در حوضه‌های مرکزی و خوزستان با کاهش بارندگی، تبخیر شدید و فرونشست زمین همراه است که کشاورزی و دامداری را مختل کرده و مهاجرت به کلان‌شهرها را شدت بخشیده است. برای مثال در استان‌هایی مانند خوزستان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، خشک شدن چشمه‌ها و چاه‌ها، زمین‌های زراعی را به بیابان تبدیل کرده و روستاها را خالی از سکنه کرده است.

شمار زیادی از افرادی که زندگی و کسب‌وکارشان وابسته به همین رودها و چشمه‌ها بوده با خشک شدن آنها ناچار به مهاجرت می‌شوند. هر سال افراد زیادی از روستاهای کوچک به شهرهای کوچک و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت می‌کنند. این مهاجرت‌ها، حاشیه‌نشینی در شهرهایی مانند تهران، مشهد و اهواز را افزایش داده و با کمبود زیرساخت‌های شهری، فقر و ناراضیاتی را تشدید کرده است. مشابه تجربه سوریه که خشکسالی بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱

فناوری

تک‌آفرین

هوش مصنوعی چگونه کارآفرین می‌سازد؟

جواد خراسانی

تطبیقگر

سیلیکون‌ولی مطابق رسوم خودش عنوانی را ابداع کرده است که موسسان تک‌نفره‌ای مانند خانم ویلیام را توصیف می‌کند. آنها «تک‌آفرین» نام گرفته‌اند. محافل فناوری در حال گمانه‌زنی بر سر آن هستند که کدام‌یک از این تک‌آفرینان احتمالاً اولین تک‌شاخ یک نفره را تاسیس می‌کند. تک‌شاخ‌ها بنگاه‌هایی غیربورسی هستند که بیش از یک میلیارد دلار ارزش دارند. برخی امیدوارند که هوش مصنوعی زایشی، هزینه راه‌اندازی کسب‌وکار را آنقدر پایین بیاورد که هر کس بتواند به‌راحتی بوتیوبر شدن، کارآفرین شود. این امیدواری همانند نسیمی از هوای آزاد در فضای متمرکز آمریکا تلقی می‌شود. با این حال اینکه آیا افرادی مانند خانم ویلیام می‌توانند از چنگال غول‌های فناوری بگریزند خود پرسشی دیگر است.

انقلاب‌های فناوری، روش کسب‌وکار بنگاه‌ها را دگرگون می‌کنند. افزایش نقش دستگاه‌ها به همراه توسعه شبکه‌های



مهاجرت گسترده به شهرهای حما، حمص و درعا را به دنبال داشت و به ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱ منجر شد، ایران نیز در معرض چنین چرخه‌ای قرار دارد. در دارفور سودان، کاهش ۳۰ درصدی باران و افزایش ۱۰۵ درجه‌ای دما، تولید کشاورزی را تا ۷۰ درصد کاهش داد و درگیری‌های قبیله‌ای بر سر منابع را شعله‌ور کرد. به همین ترتیب، کاهش سطح دریاچه چاد از ۲۵ هزار کیلومتر مربع در سال ۱۹۶۳ به ۱۳۰۰ کیلومتر مربع در حال حاضر، مهاجرت‌های گسترده و تنش‌های اجتماعی در نیجر و آفریقای مرکزی را دامن زده و گروه‌هایی مانند بوکوحرام را تقویت کرده است.

در کشور ما، سوء مدیریت منابع آبی، از جمله برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، ساخت سدهای غیراصولی و نادیده گرفتن حق‌آبه تالاب‌ها، بحران را تشدید کرده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که سرانه آب تجدیدپذیر ایران به ۴۸۳ مترمکعب در سال رسیده که بسیار کمتر از آستانه جهانی تنش آبی است. توفان‌های گردوغبار، که ۶۰ تا ۸۰ درصد آنها منشأ خارجی دارند، سلامت عمومی و اقتصاد را تحت فشار قرار داده و به ناراضیاتی عمومی دامن زده‌اند. با این حال، برخی کارشناسان معتقدند، پیش‌بینی قطعی بیابان شدن کامل ایران طی ۳۰ سال آینده به دلیل پیچیدگی‌های اقلیمی، ممکن است دقیق نباشد.

اما سوال این است که آیا ایران در معرض شورش‌هایی مشابه سوریه قرار دارد؟ این احتمال به عوامل متعددی بستگی دارد. برخلاف سوریه، که جنگ داخلی آن نتیجه ترکیبی از خشکسالی، سوء مدیریت و مداخلات خارجی بود، ایران از ثبات سیاسی نسبی برخوردار است. با این وجود، تشدید

حمل و نقل در اواخر قرن ۱۹ به ظهور شرکت‌های غول‌آسا منجر شد. رونالد کوز، اقتصاددان بریتانیایی در مقاله سال ۱۹۳۷ خودش با عنوان «ماهیت بنگاه» بیان می‌کند که وجود آنها گواهی بر کارآمدی یکپارچگی و مدیریت کار در درون چارچوب‌های کسب‌وکار است تا برون‌سپاری فعالیت‌ها به بازار. اما این وضعیت به لطف ارتباطات دیجیتال تغییر کرده است. اکنون شرکت‌ها به آسانی می‌توانند، فرآیند تولید و وظایف اداری را به کشورهایی که هزینه کمتری دارند، برون‌سپاری کنند. همچنین آنها می‌توانند برای بازاریابی به سکوها اینترنتی مانند گوگل و برای رایانش به خدمات وب آمازون مراجعه کنند. پیدایش هوش مصنوعی می‌تواند روندها را تسریع کند، درست همان‌گونه که عوامل نیمه‌وکار سیلیکون‌ولی موجب می‌شوند، بنگاه‌ها همان حجم کار را با کارکنان کمتری به انجام برسانند. هنریک وردلین (Henrik Werdelin) موسس هکار اودوس می‌گوید که پیدایش رایانش ابری در ۲۰ سال گذشته به او کمک کرد تا چندین کسب‌وکار جدید را تنها با کشیدن کارت اعتباری راه‌اندازی کند. او هوش مصنوعی را موج بعدی در آزادسازی می‌داند. به گفته او «شما به کنویسی می‌مهارت در

فتوشاپ نیاز ندارید چون می‌توانید از هوش مصنوعی بخواهید به شما کمک کند». او امیدوار است این امر به پیدایش سیلی از بنگاه‌های نوپا منجر شود که افرادی مانند خانم ویلیام تاسیس می‌کنند. افرادی که هیچ پیش‌زمینه‌ای در فناوری ندارند اما مشکلات واقعی که باید حل شوند را شناخته‌اند.

کریم لاکانی از مدرسه کسب‌وکار هاروارد یکی از طرفداران سرسخت این دیدگاه است. او هم‌اکنون دوره رهبری را برای مدیران اجرایی ارائه می‌دهد که در آن آنها از هوش مصنوعی برای راه‌اندازی یک شرکت غذای آماده ظرف ۹۰ دقیقه استفاده می‌کنند. آنها تحقیق درباره مشتریان، ساخت دستور تهیه غذاها، پیدا کردن تامین‌کنندگان و طراحی بسته‌بندی را با کمک هوش مصنوعی زایشی انجام می‌دهند. آقای لاکانی و نویسندگان همکارش در مقاله اخیر خود یک آزمایش میدانی را به اجرا گذاشتند و از ۷۷۶ فرد حرفه‌ای در یک شرکت کالاهای مصرفی خواستند تا به‌تنهایی یا در تیم‌های دوتفره یک مشکل واقعی کسب‌وکار را با یا بدون هوش مصنوعی زایشی حل کنند. مشخص شد که هوش مصنوعی بیشتر یک همکار تیمی است تا یک ابزار.

ادامه تیتربیک

تخلیه اجباری

آن هم در شرایطی که قراردادهای قبلی این مجموعه‌ها به گفته اعضای شورا به لحاظ قانونی لغو شده اما این‌ به معنی در اختیار گرفتن فضا توسط شهرداری نیست و اگر قرار باشد در این زمینه تصمیم‌گیری شود برخلاف آنچه که شهرداری تهران تصمیم شخصی‌زاکانی می‌داند بر عهده تام و تمام شورای شهر تهران است و اساسا در اختیار و صلاحیت شخص آقای شهردار نیست که با اعمال نظر شخصی دست به چنین اقداماتی می‌زند. به گفته عضو کمیته حقوقی و نظارت شورای شهر تهران: «این اماکن همه مصوبه شورا دارند، باید در شورا بازنگری شوند و تصمیم جدید گرفته شود، نه با اتکا به دستور شفاهی از شهردار.»

حمله به استقلال یک نهاد صنفی

اکبر منتجبی، رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در واکنش به این موضوع در گفت‌وگو با سازندگی می‌گوید: «مرداد، ماه روزنامه‌نگاران است؛ هفدهم مرداد روز خبرنگار نام دارد. اما در حالی‌که انتظار می‌رفت، شهرداری تهران در این ایام حداقل نمایین از جامعه رسانه‌ای قدردانی کند، در اقدامی متناقض فشارهای خود بر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران را افزایش داد. در نهایت با ارسال اظهاریه‌های پیاپی و اعزام مأموران، این انجمن مجبور شد، ساختمانی که سال‌ها پیش به همت اعضای وقت شورای شهر در اختیار روزنامه‌نگاران قرار گرفته بود را تخلیه کند.»

او ادامه می‌دهد: «این تخلیه فقط یک جابه‌جایی فیزیکی نیست؛ بلکه حمله‌ای مستقیم به استقلال نهاد صنفی‌ای است که طی سال‌های گذشته تلاش کرده بود از حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران دفاع کند. انجمن‌های صنفی، نماد

جامعه

رفع اتهام از کارزار

شکایت رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر تهران با بن‌بست مواجه شد

گروه اجتماعی: پرونده شکایت روح‌الله مومن‌نسب، رئیس ستاد امر به معروف تهران از پلتفرم «کارزار» در دادسرای فرهنگ و رسانه با صدور قرار منع تعقیب بسته شد؛ حکمی که ضمن رفع اتهامات از مدیر این سایت، بار دیگر موضوع مسئولیت پلتفرم‌های کاربرمحور و حق آزادی بیان را در کانون توجه قرار داد. مومن‌نسب اتهاماتی چون «نشر اکاذیب» و «جریحه‌دار کردن عفت عمومی» را متوجه مدیر این وب‌سایت دانست و به چند پویش کاربری از جمله صدور گواهینامه موتور برای بانوان، برگزاری کنسرت‌های خارجی و درخواست لغو حکم اعدام تتلو اشاره کرد. پرونده به شعبه شانزدهم دادسرای فرهنگ و رسانه ارجاع شد و بازپرس محمدرضا سلیمی با بررسی موضوع، قرار منع تعقیب صادر کرد. در این حکم تأکید شده است که پویش‌های کارزار مصداق خبر نیستند تا بتوان آنها را صادق یا کاذب دانست بلکه نوعی مطالبه‌گری شهروندی‌اند. همچنین بازپرس یادآور شد که نقد، اعتراض و بیان نارضایتی در چارچوب منشور حقوق شهروندی و اصول آزادی بیان از حقوق مسلم مردم است.

پاسخ کارزار

حامد یبیدی، رئیس پلتفرم کارزار در گفت‌وگو با «سازندگی» درباره جزئیات این شکایت می‌گوید: ما اخیراً پرونده‌ای داشتیم که شاکی آن آقای روح‌الله مومن‌نسب، رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر تهران بود. آقای مومن‌نسب بیشتر با فعالیت‌ها و دیدگاه‌های خود در حوزه کنترل فضای اینترنت، موضوع فیلترینگ و طرح صیانت شناخته می‌شوند. با این حال، ایشان در جایگاه ستاد امر به معروف و نهی از منکر، شکایتی علیه پلتفرم کارزار مطرح کردند. او ادامه می‌دهد: اتهامات وارده شامل نشر اکاذیب همچنین انتشار محتوای منجر به جریحه‌دار شدن عفت عمومی بود. به‌طور خاص، ایشان به چهار یا پنج کارزار اشاره کرده بودند که ما میزبان آنها بودیم؛ از جمله کارزار درخواست حذف سامانه ناظر، کارزار صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان، درخواست برگزاری کنسرت‌های خارجی، درخواست بازگشایی متقابل سفارت ایران و آمریکا و درخواست آزادی یا لغو حکم اعدام تتلو. ایشان مجموعه این‌ کارزارها را از مصادیق جریحه‌دار شدن عفت عمومی دانسته بودند. یبیدی

تاکید می‌کند: همان‌طور که می‌دانید، در پلتفرم‌های کاربرمحور همچون کارزار، محتوا و کارزارها توسط کاربران نوشته و منتشر می‌شوند. ما به‌عنوان یک پلتفرم بی‌طرف و مستقل در این‌محتواها دخالتی نداریم و صرفاً در چارچوب قوانین کلی و ضوابط پلتفرم آنها را منتشر می‌کنیم. با وجود این، آقای مومن‌نسب شکایت خود را متوجه شخص بنده– به‌عنوان گرداننده سایت کارزار– کرده‌اند.

حکم دادسرا

او می‌گوید: این پرونده به دادسرای فرهنگ و رسانه و شعبه شانزدهم بازپرسی ارجاع شد. بازپرس شعبه شانزدهم، جناب آقای محمدرضا سلیمی به نظر من حکمی بسیار ارزشمند در این خصوص صادر کرده‌اند. قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب که در این پرونده صادر شد، می‌تواند در بسیاری از بحث‌های حقوقی مرتبط با مسئولیت پلتفرم‌ها تعیین‌کننده باشد.

دو استدلال کلیدی بازپرس

یبیدی توضیح می‌دهد: در متن حکم، بازپرس از دو جنبه قرار منع تعقیب را صادر کرده است: اول؛ حق آزادی بیان و منشور حقوق شهروندی. بازپرس تأکید کرده که موضوعات مطرح شده توسط شاکی در چارچوب حق آزادی بیان همچنین امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به حاکمیت قرار می‌گیرد. در این حکم تصریح شده است که شهروندان حق دارند، نقد کنند،



سیاست دانست. این «هدیه شهرداری» به روزنامه‌نگاران آن هم دو هفته بعد از روز خبرنگار! و بیش از آنکه نشانی از حمایت باشد، هشدار جدی است.»

فضای جایگزین باید در اختیار انجمن قرار گیرد

نرجس سلیمانی، رئیس کمیسیون حقوقی و نظارت شورای شهر تهران در پاسخ به پرسش و طرح مسأله‌ای که در باب چرایی درخواست تخلیه فضایی در اختیار انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران به سازندگی می‌گوید: بعد از بررسی در مدت زمان کوتاهی که دیروز عصر وجود داشت و حین انجام یک جلسه در باب موضوعی دیگر در حوزه شهر و شهروندان جمع‌بندی مختصر بنده اول با یک تشکر قلبی باید آغاز شود. صدای زنگ خوش آواز بلوغ حقیقی که نشان از حرکت کاروانی در مسیر درست است، امروز از فضای یک صنف در خط مقدم تبیین به گوش می‌رسد، اینکه یک انجمن صنفی که خود متعلق و برآمده از رسانه است بدون کوچک‌ترین فضاسازی و با نهایت متانت و درایت با اعتماد به نفس برآمده از بلوغ جمعی و با درک شرایط، اول بدون هیچ حرف و حدیثی، تن به اجرای قانون می‌دهد و تازه بعد از تمکین به قانون که اینجا به معنای از دست دادن موقت مأمن و محل اجتماع و به تعبیری خانه خود است آن هم نه به قصد شکایت بلکه در پی اطلاع‌رسانی به اجتماعی که از آن برآمده به دنبال محلی برای ادامه مسیر صنفی خود است در پیش چشم اینجانب از نشانه‌های روشن بلوغ یک صنف پیشران در اجتماع هم‌افزا و همدل امروز ماست.

او ادامه می‌دهد: در مورد اصل مسأله تا آنجا که در این چند ساعت امکان جمع‌بندی مهیا شد، چند مورد قابل ذکر است،

نارضایتی خود را ابراز نمایند، دعوت به خبر کنند و در مورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی نصیحت و تذکر دهند. این موضوع با استناد به مواد قانونی و حقوقی مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. به‌ویژه، توجه به مسأله مهم آزادی بیان و آزادی پس از بیان، که از مسائل حاد و جدی کشور ماست، در این دستور قضایی مورد تأکید قرار گرفته است. مدیر پلتفرم کارزار تأکید کرد: و دومی ماهیت کارزارها به عنوان مطالبه، نه خبر. بازپرس همچنین بیان کرده است که اساساً کارزارها و پویش‌های مردمی، مصداق خبر محسوب نمی‌شوند و در نتیجه نمی‌توان آنها را مشمول عنوان نشر اکاذیب دانست. کارزار، نوعی مطالبه است که هر شهروندی می‌تواند، آن را مطرح و سایر افراد می‌توانند با امضای خود آن را تأیید کنند. به همین دلیل، کارزارها نه صادق و نه کاذب‌اند؛ بلکه صرفاً بیان یک مطالبه هستند. این نکته بسیار مهم و اساسی است زیرا برخی مسئولان و ذی‌نفعان در مواجهه با کارزارها، آنها را به‌عنوان نشر اکاذیب تلقی می‌کنند. حال آنکه بازپرس صراحتاً تأکید کرده که یک مطالبه نمی‌تواند، مصداق صدق یا کذب قرار گیرد. او تأکید می‌کند: این موضوع پیش‌تر نیز در برخی دستورات قضایی و قرارهای منع تعقیب در پرونده‌های مشابه مورد تأیید قرار گرفته بود و اکنون بار دیگر مورد تأکید قرار گرفته است. به نظر من، جزئیات این حکم که توسط بازپرسی متخصص در حوزه فرهنگ و رسانه صادر شده، می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر پرونده‌های مشابه و نیز برای پلتفرم‌های کاربرمحور دیگر در کشور مورد استفاده قرار گیرد. این پلتفرم‌ها همواره تحت فشار نهادها و سازمان‌های مختلف حاکمیتی و غیرحاکمیتی قرار دارند تا محتوای کاربران را بیش از پیش سانسور کرده و آزادی بیان را محدود کنند. اما همان‌گونه که در این حکم مشاهده می‌کنیم، حتی در مواردی که موضوع کارزارها حساسیت‌برانگیز بوده، دادسرا با نگاهی حقوقی و منطقی بر حق آزادی بیان و ماهیت مطالبه‌محور بودن کارزارها تأکید کرده است. به گفته یبیدی، در این شکایت، عناوینی مطرح شده که به‌طور معمول از موضوعات حساسیت‌برانگیز به شمار می‌آیند و برخوردهای امنیتی و قضایی با آنها دور از انتظار نیست. با این حال در این پرونده مشاهده می‌کنیم که بازپرس با رویکردی شجاعانه از حق آزادی بیان، حق مطالبه‌گری و اعتراض مدنی دفاع کرده و در نهایت دستور منع تعقیب را صادر کرده است.

نخست اینکه شهرداری تهران سابق بر این در راستای رسالت اجتماعی خود سعی در حمایت از انجمن صنفی روزنامه‌نگاران داشته و فضایی که موقتاً قابل واگذاری بوده را بدون دریافت اجاره‌بها در اختیار انجمن قرار داده است. البته در زمان حاضر موعد اجرای طرح تعریض معبری که ساختمان مورد نظر در آن استقرار یافته، رسیده و شهرداری با هماهنگی و اطلاع‌رسانی از یک طرف و بالاترین سطح ممکن هماهنگی از سوی انجمن نسبت به تحویل ملک به شهرداری اقدام شده و انجمن نیز به‌رغم تمام نیاز حقیقی خود به دسترسی به یک محل حضور فیزیکی بدون هیچ ابرام و ابراز ناراحتی و پریشانی، فضای مورد بحث را تحویل داده است.

سلیمانی اضافه می‌کند: از اینجا به بعد یکی مسأله انجام طرح تعریض معبر است که باید هرچه سریع‌تر به سامان برسد و دیگری پاداش این همکاری از سمت شورای شهر و شهرداری به خصوص شهردار تهران به یک انجمن صنفی با این مرتبه از همکاری و از خودگذشتگی در عبور از اساسی‌ترین شکل تغییر و تحول بدون شکایت یعنی بازتاب رسانه‌ای است. با این اوصاف و آن‌طور که به نظر می‌رسد حتماً و به زودی پاسخ این هم‌افزایی از طرف مدیریت شهری به این انجمن صنفی هوشیار و بیدار جامعه داده خواهد شد و امیدواریم این بار فضایی که در اختیار این انجمن قرار می‌گیرد نیز بتواند پاسخ‌گوی نیازهای اساسی این مجموعه در سنکر اول مواجهه با تهدیدهای معطوف به وحدت و قوت به خصوص رسانه‌ای که از سمت و سوهای گوناگون در جهت تضعیف ساختار درهم تنیده اجتماع شهروندان تهرانی به‌عنوان یک پایگاه جامع و پر قوت فرهیختگان انجام می‌شود، باشد.

قضای

تسویه‌بدهی‌های بز

بابک زنجانی
۵۰۰ میلیون دلار از مطالبات دولت را پس داد

سختگوی قوه قضایه با اشاره به پرونده بابک زنجانی و پیگیری وصول مطالبات دولت از دریافت مبالغی بیش از میزان محکومیت اولیه خبر داد و تأکید کرد که دستگاه قضایی اجازه نخواهد داد این پرونده به حاشیه برود. اصغر جهانگیر در نشست خبری دیروز گفت: «بخشی از مطالبات دولت از زنجانی تاکنون وصول شده و ۱۷ شرکت متعلق به وی به شرکت ملی نفت واگذار شده است». این شرکت‌ها شامل هوایمایی قشم، شرکت‌های تجاری، گردشگری، بازرگانی، ساختمانی و هتل‌داری هستند که ارزش آنها طبق ارزیابی رسمی حدود ۵۰۰ میلیون دلار برآورد شده است. علاوه بر این حدود ۲۷ میلیارد تومان وجه نقد حاصل از فروش سایر اموال زنجانی نیز به حساب شرکت ملی نفت واریز شده و محموله‌ای به ارزش ۰.۸ میلیارد دلار نیز در صندوق امانات بانک مرکزی نگهداری می‌شود.

جهانگیر افزود: «تاکنون مبالغی بیش از میزان محکومیت اولیه از زنجانی شناسایی و دریافت شده است و تأخیر در برخی فرآیندها به دلیل پیچیدگی موضوعات و مراحل اجرایی بوده است». وی همچنین از همکاری نزدیک قوه قضایه با بانک مرکزی و شرکت ملی نفت برای تسریع در وصول مطالبات خبر داد و خواستار دقت و هماهنگی بیشتر مسئولان اجرایی شد. بابک زنجانی ۹ دی ماه ۱۳۹۲ به اتهام فساد اقتصادی و اختلاس در پرونده فروش نفت به شرکت ملی نفت ایران بازداشت شد. اتهامات وی شامل اختلال در نظام اقتصادی کشور، فساد مالی و عدم بازپرداخت بدهی‌های کلان به بانک‌ها و وزارت نفت بود. بر اساس گزارش‌ها وی به مبلغ ۱.۹۶۷ میلیارد یورو به وزارت نفت بدهکار بود. در اسفند ماه ۱۳۹۴ دادگاه بدوی وی را به اعدام، رد مال به شاکی (شرکت ملی نفت ایران) و جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ پولشویی محکوم کرد. این حکم در آذرماه ۱۳۹۵ توسط دیوان عالی کشور تأیید شد. با این حال، در صورت استرداد اموال و جبران خسارات، امکان بهرمندی از ارفاقات قانونی وجود داشت. بعد از آن با توجه به استرداد اموال و جبران خسارات، حکم اعدام وی به ۲۰ سال حبس کاهش یافت. با این حال، مقامات وزارت نفت و بانک مرکزی ایران اعلام کرده‌اند که بدهی‌های زنجانی به‌طور کامل تسویه نشده است. وزارت نفت تأکید کرده که اموال وی که به نفع این وزارتخانه صادره شده، هنوز قادر به پوشش کامل مطالبات نیست.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

تقویم: روز پایان جنگ

جنگ تحمیلی ایران و عراق که از سال ۱۳۵۹ آغاز شد، یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین نبردهای منطقه‌ای در قرن بیستم بود و ملت ایران را با خسارات انسانی، اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای مواجه کرد. طی این ۸ سال، مردم ایران در کنار نیروهای مسلح با ایثارگری و مقاومت بی‌سابقه، از خاک و مرزهای کشور دفاع کردند و نشان دادند که هیچ تهاجمی نمی‌تواند، اراده ملی آنان را شکست دهد. این نبرد نه‌تنها عرصه‌ای برای نشان دادن شجاعت و وفاداری مردم بود بلکه نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت ملی و تجربه تاریخی کشور ایفا کرد و نسل‌های بعد را با ارزش‌های مقاومت و اتحاد آشنا کرد. سرانجام، پس از تلاش‌های دیپلماتیک گسترده و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، جنگ در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ به پایان رسید و فصل جدیدی از بازسازی، بازگشت به آرامش و تقویت امنیت ملی برای ایران آغاز شد تا ملت همچنان با امید و استواری مسیر توسعه و پیشرفت را دنبال کند.

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



ادامه دوشنبه ۲۹ بهمن

باز نشدن چرخ‌های یک هواپیمای توپولف

از مواضع وزارت امورخارجه و شورای عالی امنیت ملی و شخص دکتر [حسن] روحانی در مورد افغانستان ناراضی است. معتقد است، نظرات رهبری را نادیده می‌گیرند و دستورات رهبری، بدون اجرا مانده است. می‌گوید، اکثر استانداران افغانستان با ایران‌اند و مرتباً در افغانستان به نظامیان آمریکا حمله می‌شود. از برخورد با [گلبدین] حکمتیار، [رهبر حزب اسلامی افغانستان] و نیز اعلام بازداشت فراریان القاعده در ایران، ناراحت است و می‌گوید، کریم خلیلی، [رهبر حزب وحدت اسلامی] تسلیم آمریکا شده و بقیه سران مجاهدان، مواضع بدی ندارند. از مواضع [محسن] امین‌زاده، [معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امورخارجه] خشمگین است.

یک هواپیمای توپولف، عازم زاهدان، در فضای زاهدان چرخ‌هایش برای نشستن باز نشد و دستور یافت به پرواز ادامه بدهد تا بنزین کم شود تا راه‌حلی پیدا کنند. [خلبان] سه ساعت پرواز می‌کند و بالاخره در اطراف بندرعباس، مهندس پرواز موقی می‌شود با دست چرخ‌ها را باز کند و فرود آید؛ در شرایطی که فضای منفی سقوط توپولف در سفیدکوه خرم‌آباد ادامه دارد، خداوند و تخصص مهندس پرواز از بحرانی شدن وضع جلوگیری کرد.

آقای [سیدمحمود] هاشمی‌شاهرودی، [رئیس قوه قضاییه] در پاسخ سئوالات دانشجویان تأکید کرده که فرزندان آقای هاشمی‌رفسنجانی، شکایت و پرونده‌ای در دستگاه قضایی ندارند و این صحبت برای کسانی که شایعات منفی در سال‌های اخیر علیه فرزندان من به راه انداخته بودند، ناگوار است.

علی افشاری از [اعضای شورای مرکزی دفتر] تحکیم وحدت که در مصاحبه‌ای اعتراف به جرم کرده بود، اینک مدعی است، تحت فشار مصاحبه کرده و ابراز شرمندگی و عذرخواهی کرد و حرف خود را پس گرفت.

سه‌شنبه ۳۰ بهمن

دیدار با سفیر کوبا

[آقای خوزه رامون رودریگز-وارونا] سفیر کوبا آمد. از مزاحمت‌های آمریکا علیه کشورش گفت؛ از جمله مزاحمت‌های بیولوژیک در مورد کشاورزی شکر و سیب‌زمینی و اخیراً انتشار [آنت انترمال] مگس خطرناکی که باعث مرگ انسان‌ها می‌شود و توضیحاتی در مورد پایگاه گوانتانامو-که آسرای القاعده آنجا هستند- داد و گفت ۱۰۰ سال پیش پس از شکست اسپانیا، چند سالی آمریکا در کوبا حاکم بود و همان موقع این منطقه را که بخشی خشکی و بخشی آب است به اجاره ۵۰ ساله خود درآورد سپس در دولت باتیستا، تجدید اجاره کرد و هنوز در اختیار دارد.

آقای [سیدعلی‌نقی] موسوی، مسئول حسابداری و مالی مجمع [تشخیص مصلحت نظام] آمد و گزارش وضع مالی را داد. عصر آقای [مسعود] کرباسیان، رئیس کل گمرک، همراه مدیران ارشد آمدند. گزارش وضع گمرک و مشکلات مالی از ۴۲ بازارچه مرزی و کثرت قاچاق را داد و گفت، برای اینکه دولت می‌خواهد آمار صادرات را بالا بگوید، درآمدهای ناشی از توریسیم و کارگران خارجی که ربطی به صادرات خدمات ندارند را جزو صادرات به حساب می‌آورند و از گمرک خواسته‌اند، گزارش مستقل ندهد.

شب مهمان رهبری بودم. گزارش آقای [قاسم] سلیمانی، [فرمانده نیروی قدس سپاه] و برنامه‌های حزب‌الله لبنان و مشکلات سپاه قدس در افغانستان در اثر اختلاف با وزارت امورخارجه و شورای عالی امنیت را به ایشان گفتم. ایشان هم از عملکرد دولت و شورای امنیت ملی در افغانستان ناراضی‌اند و گفتند، نظرات ایشان را اجرا نمی‌کنند. گفتند، آخرین مصوبه شورای عالی امنیت ملی در مورد افغانستان خوب است اما آقای خاتمی، [رئیس‌جمهور] با پی‌نویسی مفصل و مبهم، آن را بی‌خاصیت کرد؛ مثل تعدادی از پی‌نویس‌های دیگرشان. در مورد آینده مجمع تشخیص مصلحت و مسایل سن ازدواج و عسر و حرج در طلاق هم مذاکره کردیم.

اصلاح‌گری؛ رسالتی الهی

به بهانه سالروز رحلت حضرت رسول اکرم (ص)



سیدحمید موسویان

دین‌پژوه

فهم سیرحرکت پیامبران و امامان یکی از چالش‌های فکری در نظام اندیشه دینی است. بسیاری از متفکران بر این باورند که فرستادگان الهی با رویکرد انتقاد بنیادین نسبت به جامعه، عملاً به سوی قیام و شورش علیه وضع موجود حرکت می‌کنند. فهم غالب آن است که راه تغییر در هر اجتماعی، کنار زدن همه سنت‌ها و فرهنگ‌های مرسوم و جایگزین کردن آن با اندیشه‌ها و روش‌های عقلانی و درست است. به بیان دیگر بسیاری از اندیشمندان دینی معتقدند راه انبیا، ایجاد تغییر پایه‌ای درمتن جامعه - به هر شکل ممکن- است و برای توجیه این باور هم بر این نکته تأکید می‌کنند که انبیا همواره دنبال حقیقت بوده‌اند و با هر چیزیی که باطل و غیرعادلانه است، مخالفت می‌کنند. در این نگاه، جامعه یک مجموعه متفعل و مومی شکل است که با ارائه راهکارهای خاص و نشان دادن روش‌ها و اندیشه‌های درست به راحتی تغییر مسیر می‌دهد و به سوی حقیقت و عدالت حرکت می‌کند.

نگاهی به تاریخ انبیا و به‌طورخاص میراث پیامبراکرم (ص) نشان از رویکرد تدریجی، متغیر و گوناگون در مواجهه با جامعه زمان خود دارد. قرآن کریم هم به‌عنوان نکته‌ای از تاریخ انبیا و هم ارشادی به پیامبر اکرم (ص) به سخن شعیب (ع) اشاره می‌کند که نشان از نکته‌ای عمیق در مورد حرکت انبیا و اولیای الهی است. در قرآن از زبان شعیب می‌خوانیم: «من قصدی جز اصلاح- تا آنجا که بتوانم- ندارم.» (سوره هود، ۸۸) اصلاح در این تعبیر ممکن است به معنای کلی تغییر اجتماعی فهمیده شود که شامل انقلاب نیز می‌شود. اما به نظر می‌رسد، روند کلی حرکت انبیا به‌ویژه پیامبر اسلام و امامان شیعه، نشان از رویکرد اصلاحی به معنای خاص آن در مواجهه با اشکالات موجود در جامعه دارد. به بیان دیگر، اولیای الهی به دنبال تغییرات دفعی و ایجاد جامعه‌ای یک شکل و فاقد تنوع و تکرر نبوده‌اند. هرچند بیشتر کسانی که مدعی تشکیل حکومت دینی در طول تاریخ بوده‌اند در این مسیر گام نزده‌اند.

اما اصلاح مورد نظر به چه صورت محقق می‌شود؟

اولین و مهم‌ترین اصل در رویکرد اصلاحی، صبر پیشه کردن است. اصلاح‌گران الهی نه تنها نماد صبر در دوره خود بوده‌اند بلکه خداوند نیز آنها را توصیه به این مهم کرده است. خداوند در توصیف پیامبراکرم (ص) او را دارای «اخلاق عظیم» معرفی می‌کند. (سوره قلم ۴) قرآن خواسته موسی هنگام مبعوث شدن به رسالت و دستور به سخن گفتن با فرعون را «شرح صدر و گشادگی سینه» گزارش کرده است. (سوره طه، ۲۵-۲۶) با وجود توصیف عالی اخلاقی در مورد پیامبر، توصیه به صبر در مسیر رسالت از تأکیدهای مستمر خداوند است. (مثلا سوره یونس، آیه ۱۰۹) داستان یونس در قرآن با یک درس اختصاصی برای شخص پیامبر اکرم همراه است که ایشان نباید مانند یونس باشد و در واقع اشکال کار یونس آن است که به اندازه لازم صبر نداشت و توانست تا آخرین مرحله، استقامت کند. (سوره قلم، ۴۸) صبرپیشه بودن لازمه حرکت اصلاحی است. اساساً تفاوت اصلاح‌گر با فرد انقلابی درآن است که اصلاح‌گر نباید زود برآشفته شود و ناملایمات او را به ستوه آورد. پیامبر اکرم (ص) چنان خود را وقف اصلاح جامعه و افراد کرده بود که خداوند به ایشان

می‌فرماید: «ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی.» (سوره طه، ۲) و درجای دیگردرمعرفی پیامبر، ایشان را مشتاق به هدایت انسان‌ها معرفی می‌کند که از رنج و مشقت کشیدن آنها ناراحت می‌شود. (سوره توبه، ۱۲۸)

اصلاح برای تغییر در فرد و جامعه است. اصلاح فرد و جامعه به تناسب افراد و شرایط، نیازمند برگزیدن راه‌های گوناگون و استفاده از روش‌های مختلف است. انسان مصلح در تلاش برای یافتن این راه‌هاست. درهمین راستا است که مصلحان بزرگ هر چند دارای هدف یکسان بوده‌اند ولی از بیان‌های مختلف و روش‌های متنوعی برای تغییر در ابناء بشر استفاده کرده‌اند. قرآن از یک طرف اشاره می‌کند که میان پیامبران هیچ تفاوت و اختلافی وجود ندارد (سوره بقره، ۲۸۵) و از سوی دیگر تأکید می‌کند به هر یک از آنها به تناسب جامعه و شرایط موجود، شریعت و بیان‌های مختلف داده شده است. (سوره مائده، ۴۸) مصلحان همگی به دنبال رشد و پیشرفت جامعه در ابعاد مختلف مادی و معنوی هستند ولی رسیدن به این هدف نیازمند اندیشیدن به شرایط و پیدا کردن جنبه‌های اولویت‌دار در سطح جامعه است. الگو بودن انبیا و امامان نیز به این معناست که کلیت راه و مسیر را از آنها بیاموزیم و از سختی‌های پیش آمده نهراسیم. قرار نیست مانند آنها قدم بزنیم، سخن بگویم یا عمل کنیم؛ بلکه ازاسوه‌ها باید مبناهای و رویکردها را آموخت و در زندگی از آنها استفاده کرد.

یکی دیگر از جنبه‌های اصلاح‌گری، پذیرش تنوع و تکرر در سطح جامعه است. انسان‌ها دارای استعداد‌های مختلف و سلیقه‌های گوناگون هستند. در روند اصلاح، نباید به دنبال یکدست کردن و حذف سایر سلیقه‌ها و روش‌های زندگی بود. خداوند در روند خلقت چنین رقم زده است که آدمیان در گروه‌ها، اقوام، قبایل، زبان‌ها و سرزمین‌های مختلف تقسیم شوند (سوره حجرات، ۱۳) و در نتیجه از گرایش‌ها و استعداد‌های رنگارنگی هم بهره ببرند. مصلح واقعی به دنبال حذف و هضم جریان‌های مختلف و سلیقه‌ها در یک نگاه خاص نیست. اصلاح‌گران پذیرفته‌اند که انسان‌ها در پذیرش حقیقت نیز از راه‌های مختلفی به نتیجه می‌رسند. این گونه نیست که اگرجمع زیادی از یک استدلال یا یک روش به حقانیت یک باور یا سبک زندگی دست پیدا کردند سایرافراد نیز دربرابر آن روش یا استدلال به همان نتیجه دست پیدا کنند. به همین دلیل، علاوه بر خستگی‌ناپذیری و صبرپیشگی، یک اصلاح‌گر واقعی هم به آینده امیدوار است و هم این احتمال را در نظر دارد که ممکن است با در بسته مواجه شود و تلاش‌هایش به نتیجه‌ای که توقع دارد نرسد. خداوند به پیامبراکرم (ص) بارها تذکر می‌دهد این قدرت در اختیار خداست که همگان را ولو به اجبارمؤمن گرداند ولی خداوند چنین مقدرکرده که انسان‌ها از روی اختیار به ایمان روی آورند. به همین دلیل پیامبرهم حق ندارد که آنها را به هر روشی به سوی ایمان بکشاند و فقط باید تلاش کند و دست از طلب برندارد. (مانند سوره یونس، ۹۹)

در همین راستا باید توجه داشت که اصلاح برای جامعه است و به همین خاطر باید محدودیت‌های جامعه را در نظر بگیرد. هر چیزی که درست و حقیقت است لزوماً برای جامعه، قابل پذیرش نیست. پیامبر گرامی در روایتی به این نکته، این‌گونه اشاره می‌کنند: «ما جماعت پیامبران فرمان یافته‌ایم با مردم به فراخور خردهایشان سخن بگوییم.» (تحف العقول) بیان و پی‌گیری یک امر- هرچند

حق باشد- بدون توجه به مقتضیات زمان و مکان، خلاف روش اصلاح‌گری است. انسان مصلح باید همراه و همگام جامعه خود باشد. به همین دلیل است که خداوند پیامبران را از درون خود جوامعی که برای آنها مبعوث شده بود، انتخاب می‌کرد. اصلاح‌گر باید با غم و شادی افراد جامعه همراه باشد و شرایط آن را به درستی درک کند تا بتواند درست و به موقع وارد عمل شود و آنها را به سوی خوبی‌ها فراخواند و از بدی‌ها برحذر دارد. در تعبیر قرآنی مربوط به شعیب (ع) به همین نکته اشاره شده بود که اصلاح تا آنجایی پیگیری می‌شود که توان آن وجود داشته باشد.

از طرف دیگر، اصلاح باید به تغییر و تحول در جامعه منجر شود. خداوند هدف از فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی را آن می‌داند که خود مردم به قسط و داد عمل کنند. (سوره حدید، ۲۵) مصلحان الهی به دنبال کسب قدرت به هر شکلی نیستند؛ زیرا قدرت، همراه با زور و اجبار است. حرکت اصلاحی به دنبال تحول واقعی در متن جامعه است و این مهم از طریق داغ و درفش به دست نمی‌آید. جامعه‌ای که در مسیر تعالی و پیشرفت و توسعه گام برمی‌دارد، نیازی به اعمال قدرت ندارد. چنین جامعه‌ای خودش به مرحله‌ای از عقلانیت رسیده است که خود را کنترل می‌کند و جلوی خطاها و اشتباه‌ها را می‌گیرد. قدرت، تنها ابزاری است که موانع احتمالی را از راه توسعه و پیشرفت جامعه برمی‌دارد. کسب قدرت از نظر امام‌علی (ع) تنها همین اندازه ارزش دارد که حق مظلومی به او برسد و ظالمی سر جای خود نشاندۀ شود. (نهج البلاغه) جامعه رشدیافته، جامعه‌ای است که اعمال زور درآن بسیار محدود و اندک است و انسان‌ها در آزادی، می‌توانند استعداد‌های خود را شکوفا کنند و دست یکدیگر باعث ارتقای کلیت آن مجموعه شوند. مصلحان در آرزوی چنین جامعه‌ای هستند و لذا چنین افرادی، شیفته قدرت نیستند و تنها می‌کوشند به اندازه توان‌شان گامی برای خدمت و رشد و توسعه انسان‌ها بردارند. اگر آنها درموضع قدرت باشند چنین رویکردی خواهند داشت و اگر ازقدرت نیز کنار گذاشته شوند، روند اصلاحی خود را دنبال می‌کنند. انتظار آنها قدرت، همه‌چیز در رسیدن به هدف نیست و اگر افرادی شرایط را محدود کردند تا شایستگان به قدرت نرسند آنها از راه‌های دیگر برای اصلاح در سطح جامعه تلاش می‌کنند. سیره معصومان که غالباً از قدرت برکنار بوده‌اند چنین بود که از ابزارهای دیگر برای رشد جامعه بهره گرفتند و امید خود را برای اصلاح جامعه از دست ندادند. امام سجاد(ع) از راه دعا، امام باقر و امام صادق(ع) با تربیت شاگردان، این رویکرد را پیگیری کردند. پس نباید همه راه اصلاح را در کسب قدرت خلاصه کرد و تصور نمود هیچ راه دیگری برای رسیدن به هدف اصلاحی وجود ندارد.

اصلاح، مسیر پر پیچ و خمی است که گام نهادن در آن کار هر فردی نیست. انسان اصلاح‌گر باید در ویژگی‌هایی مانند صبر و امید، زبازد باشد و هر جا که سایر افراد از رمق می‌افتند یا امیدشان ناامید می‌شود، او از تکاپو دست برندارد و دیگران را نیز به تلاش بیشتر فراخواند. او قبل از هر چیز، تنوع و تکرر انسان‌ها را پذیرفته است و دنبال آن هم نیست که همه را یکدست و یک‌رنگ کند. از نظر یک مصلح واقعی، کسب قدرت فقط برای رسیدن به تحولات بنیادین در جامعه ارزشمند است و در غیر این صورت نه تنها نباید به دنبال قدرت بود بلکه حتی اگر موقعیت آن هم ایجاد شود باید از آن اجتناب نمود. قدرت، به همراه خود آفت‌هایی دارد که اگر هدف بزرگی با آن محقق نشود باعث هلاکت نیز هست که باید از آن دوری کرد.